

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۷۱

جمعه ۱۵ تیر ۱۳۹۶، ۶ جولای ۲۰۱۸

## شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

روند انقلابی که از دیماه ۹۶ شروع شد با فاصله های هر بار کوتاهتری ادامه می یابد و مردم بیشتری حول مسائل و خواست های خود با روحیه ای تعرضی تر به میدان می آیند. توازن قوا به نفع مردم و سازمانیابی مردم در اشکال مختلف تغییر کرده و دورانی از تلاطم های انقلابی آغاز شده است. توده های مردم دریافته اند که برای رهایی از رنج و مشقتی که بر زندگی آنها حاکم شده است، راهی جز سرنگونی حکومت ندارند. حکومت در بی افقی، استیصال و در هم ریختگی هر چه بیشتر دست و پا میزند و توان ادامه کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. در چنین شرایطی لازم است سرعت متشکل شویم، تشکل های مناسب این دوره را ایجاد کنیم و سازمانیافته و با نقشه مسیر سرنگونی را با دخالت هر چه بیشتر توده های مردم و با قدرت و با کمترین مخاطره به پیش ببریم.

## واحدهای حزب کمونیست کارگری را در همه جا ایجاد کنید

جامعه ایران از مقطع دی ۹۶ وارد فاز تازه ای شده است. اعتصابات و تجمعات کارگری گسترش یافته، اعتراضات عمومی تعرضی تر، گسترده تر و سراسری تر شده و توازن قوای میان مردم و حکومت بشکل بازگشت ناپذیری تغییر کرده است. حکومت در بن بست کامل دست و پا میزند و در هم ریخته تر، بی افق تر، مستاصل تر و ناتوان تر از همیشه است. در چنین شرایطی توده های وسیع مردم آمادگی دارند که در اشکال مختلف سازمان یابند. سازماندهی مردم حیاتی ترین مساله کنونی جامعه است. به هر درجه جامعه سازمان یافته تر باشد، اتحاد مردم بالاتر و مسیر سرنگونی کم مشقت تر خواهد بود.

در چنین شرایط خطیر و تعیین کننده ای از تک تک اعضا و دوستداران حزب میخواهیم که سرعت دست بکار ایجاد واحدهای حزب شوند. واحدهای حزب در هر کارخانه و اداره ای، در هر دبیرستان و دانشگاهی و در هر محله ای باید ایجاد شود. با دوستان نزدیک و قابل اعتماد خود صحبت کنید، آنها را به عضویت در حزب تشویق کنید، همراه با آنها واحدهای سه تا پنج نفره تشکیل دهید و با حزب تماسستان را فعال تر کنید. ایجاد واحد های حزب در مراکز و محلات مختلف و در میان کارگران، معلمان، بازنشستگان، جوانان، نویسندگان و هنرمندان و غیره امکان میدهد که نقش موثری در ارتقاء آگاهی

صفحه ۱۰

گفتگو با حمید تقوایی در مورد

## دور تازه برآمد جنبش انقلابی، منشور انقلاب و اشکال سازماندهی

صفحه ۲

## کارگران در هفته ای که گذشت

صفحه ۴

شهلا دانشفر

### بازتاب هفته

- \* سفارتخانه های جمهوری اسلامی باید بسته شوند! - حسن صالحی
- \* سلاطین غارتگر - خلیل کیوان
- \* زندگی ای که هر روزش فاجعه ای است - داود رفاهی

صفحه ۳

## آینده مذهب در ایران

گفتگوی سیما بهاری از تلویزیون کانال جدید با اصغر کریمی  
بخش دوم و پایانی

صفحه ۶

## چند کلمه در باره منصور حکمت

علی جوادی

صفحه ۸

## مجاهدین: آلترناتیو سیاسی یا اهرم اعمال فشار دول مرتجع

گفتگو با علی جوادی

صفحه ۱۱

## در محکومیت طرح تروریستی حمله به گردهمایی مجاهدین خلق در پاریس

صفحه ۱۰

## تظاهرات در اهواز و ماهشهر در حمایت از مردم آبادان و خرمشهر

صفحه ۱۰

## جنایت حکومت در روستای زهوکی میناب مردم سرکوبگران را فراری دادند

صفحه ۱۰

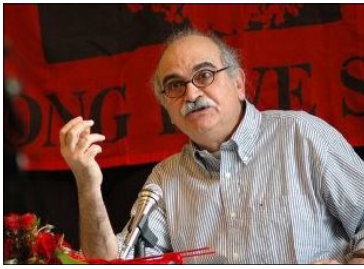
## جان رامین حسین پناهی در خطر جدی است

با اقدامات فوری و اضطراری باید او را از خطر اعدام نجات دهیم!

صفحه ۱۲

## زندانی سیاسی رامین حسین پناهی را از مرگ نجات دهیم!

صفحه ۵



## گفتگو با حمید تقوایی در باره: دور تازه برآمد جنبش انقلابی، منشور انقلاب و اشکال سازماندهی

**خلیل کیوان:** روزهای شنبه و یکشنبه نهم و دهم تیرماه اعتراض مردم خرمشهر و آبادان به آلودگی آب شربیه تقابل با نیروهای انتظامی کشیده شد. مردم بطور گسترده به جنگ و گریز با نیروهای سرکوبگر پرداختند و شعارهای تند علیه حکومت سردادند. بدنبال آن مردم در شهرهای اهواز، سریندر و خورموسی در همبستگی با مردم آبادان و خرمشهر به خیابان آمدند و با شعار بله، بله به انقلاب، سرنگونی حکومت اسلامی را فریاد زدند. آیا ما با دور تازه ای از مبارزات مردم با حکومت مواجه هستیم که مشخصه آن زد و خورد با نیروهای رژیم و حمله به مراکز آن خواهد بود؟

**حمید تقوایی:** درگیری و زد و خورد مردم با نیروهای حکومتی نشانه جسارت، روحیه تعرضی و عزم جزم مردم در مبارزه برای سرنگونی حکومت است. رژیم دیگر قادر نیست با اعزام نیروهای انتظامی به خیابانها و با بگیر و ببند و حمله به مردم و ضرب و شتم و سرکوب و کشتار آنها را مرعوب کند و از اعتراض باز بدارد. از سوی دیگر در برابر موج فزاینده اعتراضات و اعتصابات بجز بمیدان آوردن نیروهای سرکوبگرش چاره ای ندارد. این شرایط میتواند آغازگر دور تازه ای از مبارزه باشد که وجه مشخصه آن نه صرفا مقاومت و دفاع از خود مردم در برابر تهاجم نیروهای حکومتی، بلکه حمله و تعرض مردم به این نیروها و به مراکز دولتی و دفاتر امام جمعه ها و غیره، یعنی نوعی قیام شهری، است. فی الحال خیزش مردم در خرمشهر و آبادان از نظر شکل مبارزه از تظاهرات و تجمعات اعتراضی فراتر رفته و شکل یک قیام شهری را به خود گرفته است.

از سوی دیگر باید توجه داشت که خیزش خرمشهر، مانند خیزش

مردم کازرون در حدود یک ماه قبل، یک اتفاق موردی و مجزا از بقیه نقاط ایران نیست. بلکه بر متن یک مبارزه سراسری صورت میگیرد که از دیماه آغاز شده و در ابعاد و عرصه های مختلف ادامه داشته است. باید انتظار داشت که خیزش و قیام و زد و خورد و جنگ و گریزهای خیابانی، به شهرهای دیگر نیز کشیده بشود و گسترش پیدا کند.

**خلیل کیوان:** در فرهنگ سیاسی و در اذهان عمومی قیام به معنی ضربه نهائی برای درهم کوبیدن حکومت و بزیر کشیدن آن شناخته میشود. آیا اطلاق قیام به چنین رویارویی هابمقطعی که در یک و یا چند شهر رخ میدهد صحیح است؟

**حمید تقوایی:** قیام به معنی اخض کلمه مرحله نهائی انقلاب و تعرض نهائی مردم برای بزیر کشیدن حکومت است. روشن است که به این معنی به اعتراضات مردم خرمشهر نمیتوان قیام اطلاق کرد اما به یک مفهوم عام تر، به معنی تعرض مستقیم مردم به نیروها و نهادهای حکومتی، نمونه های خرمشهر و کازرون نوعی قیام شهری است. این نامی است که درگیری و تعرض مستقیم مردم به حکومت را از اشکال دیگر مبارزه نظیر تظاهرات و اعتصاب و تجمع و راهپیمائی متمایز میکند.

**خلیل کیوان:** آیا با گسترش و ادامه قیامهای شهری میتوان حکومت را سرنگون کرد؟ جایگاه تظاهرات عمومی و اعتصاب در چنین شرایطی چیست؟

**حمید تقوایی:** همانطور که اشاره کردم در بسیاری از انقلابها، از جمله انقلاب ۵۷ در ایران، ضربه نهائی به حکومت را نهایتا قیام مردم وارد میکند. اما قیام ابتدا بساکن رخ نمیدهد بلکه حاصل و در امتداد یک دوره پر تلاطم تحولات سیاسی در جامعه است.

انقلاب از نظر شکل شامل سلسله ای از راهپیمائی ها و تظاهرات ها و تجمعات توده ای، اعتصابات کارگری و اعتصابات بخشهای دیگر جامعه درگیری و جنگ و گریز مردم با نیروهای سرکوبگر و سرپچی برخی از این نیروها و پیوستنشنان به مردم، و انواع دیگر آگسینوهای ویژه و بدیع ( نظیر حرکت دختران خیابان انقلاب) از جانب توده مردم است. قیام نهائی بر متن و در ادامه این تحولات صورت میگیرد و به نوعی حاصل و برآیند کل این حرکات است.

در شرایط حاضر یک تاکید حزب ما بر اعتصابات سراسری است. شکل گرفتن اعتصابات کارگری و گسترش آنها میتواند یک نقطه عطف و گام تعیین کننده در پیشروی انقلاب علیه حکومت باشد. این آلترناتیو اشکال دیگر مبارزه نظیر تظاهرات و تجمعهای اعتراضی و غیره نیست بلکه مکمل آنهاست و میتواند بمراتب این مبارزات را تقویت کند. به نظر من تظاهرات توده ای، یعنی بخیابان ریختن توده مردم با خواست و شعار سرنگونی حکومت، آنچه از دیماه تا امروز در اشکال مختلف شاهد آن هستیم، بستر اصلی انقلاب است. اعتصابات و خیزشها و قیامهای شهری بر این متن شکل میگیرد و مجموعه این اعتراضات نهایتا حکومت را بزیر میکشد.

**خلیل کیوان:** حزب کمونیست کارگری ایران سندی را تحت عنوان منشور انقلاب و رهائی جامعه منتشر کرد. ربط این سند با اعتراضات مردم چیست؟ هدف از انتشار این سند چیست؟

**حمید تقوایی:** ما تا اینجا در مورد اشکال مبارزه صحبت کردیم. سند منشور انقلاب به مضمون انقلاب میپردازد.

ضرورت انتشار این سند در یک سطح پایه ای بلند کردن پرچم انسانگرایی و آزادیخواهی و برابری طلبی سوسیالیستی در تقابل با آلترناتیوهای قومی- مذهبی- ناسیونالیستی ای است که انواع نیروهای طیف راستبر برابر جامعه قرار میدهند. من در سخنرانی افتتاحیه پلنوم اخیر حزب ( رجوع کنید به انترناسینال شماره ۷۶۵) تاریخ تحولات سیاسی در ایران معاصر را در چارچوب تقابل سه جریان مشخص اجتماعی- سیاسی - فرهنگی با پرچم اسلامیت، ایرانیت و انسانیت بررسی کردم و تاکید کردم که در شرایط حاضر کمونیسم کارگری و سوسیالیسمی که نمایندگی میکند پرچمدار انسانیت و ارزشهای جهانشمول انسانی است. منشور انقلاب و رهائی جامعه مشخصا این انسانگرایی عمیق سوسیالیستی را بر متن انقلاب جاری و در شکل چهار رکن و محور لازم برای پیشروی و پیروزی انقلاب معرفی و اعلام میکند. این ارکان چهارگانه عبارتند از:

معنی سرنگونی حکومت و در هم شکستن نظام موجود، وظایف فوری دولت بر آمده از انقلاب، دخالت مستقیم مردم در حکومت و اداره جامعه و بالاخره امحای بردگی مزدی و برقراری سوسیالیسم.

آزادی و رهائی جامعه مستلزم در هم شکستن و زیرو رو کردن کل نظام حاکم است و در بند اول منشور این درهم شکستن، از خلع ید و بازداشت و محاکمه سران و مقامات حکومتی تا انحلال نیروهای سرکوبگر و تا لغو قانون اساسی و قوانین قصاص و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی، بطور مشخص تبیین و تعریف شده است.

بی تردید نیروهای راست در اپوزیسیون و حتی بخشهایی از حکومت که معمولا در شرایط

انقلابی نقش اپوزیسیون را بازی میکنند، تلاش میکنند تا حکومت و نظام موجود را با حداقل تغییرات ممکن حفظ کنند. وظیفه ما کمونیستها اینست که در برابر حکومت و کل نیروهای راست چشم انداز روشن و رایکال و سازش ناپذیری از بزیر کشیدن کل حکومت و درهم شکستن نظام حاکم را در برابر جامعه قرار بدهیم و به تصور و درک عامه تبدیل کنیم. این یک رکن مهم تقویت و تعمیق انقلاب است.

رکن دوم منشور به اقدامات فوری دولت برآمده از انقلاب میپردازد. با سرنگونی جمهوری اسلامی اقداماتی نظیر آزادی فوری زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، جدائی کامل مذهب از دولت و قوانین، تصمین آزادیهای بلون قید و شرط، برابری کامل زن و مرد در تمامی سطوح، تامین فوری میرم ترین نیازهای معیشتی و رفاهی مردم و غیره باید فوراً اعلام و متحقق بشود. اعلام این خواستههای میرم مردم و توده گیر شدن آنها نه تنها در تعمیق و شفاف سازی خواستها و توقعات و انتظارات مردم از همین امروز و در دل اعتراضات جاری نقش مهمی ایفا میکند بلکه معیار و محک روشنی برای ارزیابی نیروهای اپوزیسیون و تشخیص انقلابیون راستین از مدعیان دروغین انقلاب بدست میدهد.

یک ضرورت دیگر انجام این اقدامات از سوی دولت برآمده از انقلاب همانطور که در منشور تصریح شده، ممانعت از بازگشت ارتجاع در اشکال دیگر و تامین شرایط لازم برای انتخاب نظام حکومتی در شرایط آزاد و امن است. به این معنی که هر چه آزادی بی قید و شرط بیان و مطبوعات و احزاب و اعتصاب تظاهرات، لغو حکم اعدام، انحلال نیروهای سرکوبگر، باز کردن در زندانها و

## بازتاب هفته (زیر نظر کاظم نیکخواه)

### سفارتخانه های جمهوری اسلامی باید بسته شوند!

#### حسن صالحی

در پی کشف برنامه تروریستی جمهوری برای ضربه زدن به گردهمایی مجاهدین در پاریس و دستگیری چند نفر و از جمله یکی از دیپلمات های جمهوری اسلامی، اکنون یکبار دیگر خواست بسته شدن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در خارج کشور موضوعیت بیشتری یافته است. بنا به اخبار منتشر شده اسدالله اسدی دیپلمات جمهوری اسلامی که در آلمان دستگیر شده است و در سفارت رژیم در وین مشغول بکار بوده است، ماده انفجاری را در لوکزامبورگ به یک زوج ایرانی همکار جمهوری اسلامی در بلژیک تحویل داده تا علیه گردهمایی مجاهدین بکار گیرند.

ما بارها گفته ایم که سفارتخانه های جمهوری اسلامی مراکز طراحی و اجرای عملیات تروریستی علیه مخالفین جمهوری اسلامی بوده است و رویداد اخیر شاهد دیگری بر این مدعاست. این حقیقت غیر قابل انکار را باید یکبار دیگر در مقابل دول غربی گذاشت که با ادامه روابط دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی امکان می دهند که سفارتخانه های رژیم دست به چنین تمهیدات تروریستی بزنند. حتی در عرف دیپلماتیکی سرمایه داری طراحی چنین عملیات تروریستی با

### سلاطین غارتگر!

#### خلیل کیوان

چهارشنبه ۱۳ تیر پلیس تهران از دستگیری سلطان سکه خبر داد؛ مردی ۵۸ ساله که به تنهایی دو میلیون سکه را خریداری کرده است. هفته قبل نیز در خبرها آمده بود که یک آقازاده ۳۱ ساله بیش از ۳۸ هزار سکه طلا خریداری کرده بود. حسین رحیمی رئیس پلیس تهران می گوید سلطان سکه خرید دو میلیون سکه را از طریق نوچه هایش سازمان داده است! در هفته گذشته نیز در رابطه با ارائه ارز با قیمت دولتی هم، اخباری دال بر تقلب و سوء استفاده های متعدد و وسیع آمده بود. و اینها همه به معنی کاهش بیش از پیش ارزش پول، گرانی و فلاکت آشکار مردم و تحمیل فقر و فلاکت به آنهاست.

فرض کنیم رئیس پلیس حقیقت را گفته است و سلطان ارتباطات

دخالت افراد بلند پایه يك سفارت باعث می شود که دولتها در روابط دیپلماتیک خود با يك حکومت تجدید نظر کنند و دستکم این روابط را بشدت کاهش دهند.

اما سفارتخانه جمهوری اسلامی نه فقط به این خاطر که لانه های ترور و جاسوسی هستند باید بسته شوند بلکه فراتر از آن به دلیل دشمنی آشکار جمهوری اسلامی با مردم ایران باید بسته شوند. جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی به نمایندگی از مردمانی حرف می زند که روزانه حقوق و آزادیهای مدنی آنها را سرکوب می کند. فقط نفس برقراری آپارتاید جنسی علیه زنان ایران کفایت تا جمهوری اسلامی از همه مجامع بین المللی بیرون انداخته شود. مردم ایران روشن تر از هر فرد نام و همه پرسی، در کوچه و خیابان، در کارخانه و مدرسه و مراکز کار با صدای بلند خواهان رفتن جمهوری اسلامی هستند چرا که زندگی آنها با بودن این رژیم روی آرامش و خوشی را هرگز نخواهد دید. هر گونه ادامه روابط دیپلماتیک، فرهنگی و سیاسی و نظامی با جمهوری اسلامی همدستی با جمهوری اسلامی در سرکوب مردم ایران و پشت کردن به خواستهای این مردم بپاخاسته برای دستیابی به آزادی و برابری است.

اختلاسگران سر به حکومت که فعلا در پناه قدرت نامشان محفوظ است و یا به خارج گریخته اند، منتشر شود.

لیست سلاطین غارتگری که طی چهل سال حکومت سرمایه داری اسلامی، از قبل غارت منابع کشور و تحمیل فقر به مردم ثروت اندوزی کرده اند باید تهیه و منتشر شود. غارتگرانی که اموال و پولهای کشور را در حسابهای بانکی شان چه در ایران و چه در بانک های خارج انباشته اند و از نظرها پنهان نگه داشته اند باید مشخص شوند.

یک قلم از این دزدی ها کامیون های حاوی پول نقد و طلا به ارزش هجده و نیم میلیارد دلار بود که در خیزش سال ۸۸ از ایران به ترکیه فرستاده شد و در آنجا توسط پلیس ترکیه ضبط شد. پس از اینکه این موضوع خبرساز شد اردوغان در مورد آن با کنایه گفت: آنها را خدا رسانده است. هر کسی میدانند که

## زندگی ای که هر روزش فاجعه ای است

#### داود رفاهی

می دهیم تا جانی بگیرند. در گذشته امیدمان به شیری بود که در مدارس بخش می شد که آن را هم قطع کردند. آنها برای مصرف آب از هوتک (گودال سرباز مشترک میان حیوان و انسان) استفاده می کنند. آب این گودال ها به شدت آلوده است. اخیرا خبردار شدیم یکی از روستاییان به دلیل مصرف این آب، زالویی در گلویش گیر کرده بود. پزشکان مجبور شدند با عمل جراحی زالو را از گلویش بیرون آورند...

وضعیت زابل منحصر بفرد نیست. حتی شنیدن گوشه ای از این واقعیات امروز جامعه ایران نیز تکان دهنده و زجر آور است. چه رسد به اینکه کسی خود و کودکانش ناچار باشند در این شرایط زندگی کند. با حقوقهای نجومی یکی از آخوندهای مفتخور حکومتی میشود زابل را با سرعت آباد کرد. ثروتهای نجومی سران حکومت کثیف سرمایه داران اسلامی روی دیگر سکه فقر و فلاکت و نداری، تبعیض و اعتیاد و تن فروشی، اعدام و زندان و شکنجه در این کشور است. کوچک ترین تغییر در جهت بهبود وضعیت این کودکان و همه مردم مستلزم سرنوشتی این حکومت است. مردم سیستان و بلوچستان و سراسر ایران دست به کار چنین امری هستند تا بتوانند به زندگی انسانی دست یابند.

سقوط جمهوری اسلامی محتوم است. یکی از سوالاتی که اذهان را از همین اکنون بخود مشغول کرده است و باید پاسخ روشنی برای آن داشت، برگرداندن اموال غارت شده است. پیگرد جنایتکاران، اختلاسگران و غارتگران اموال مردم، مصادره و بازگرداندن این اموال چه در ایران و چه در خارج کشور یکی از وظایف حکومت بعدی باید باشد.

عزیز ساران عضو شورای شهرستان زابل در گفتگو با ایلنا گوشه ای از وضعیت فاجعه آمیز مردم و بویژه کودکان و جوانان در سیستان و بلوچستان را اینگونه بازتاب میدهد. او از جمله میگوید:

... اگر شب ها به خیابان ها و خرابه های حاشیه قبرستان ها (در زابل) بروید، می توانید کارتن خوابها و معتادان متجاهر را ببینید. یکباری باعث همه این بدبختی ها و مشکلات شده است. در میان این کارتن خوابها؛ زنان، کودکان و دختران هم دیده می شوند. اکثر خانواده های معتاد، روزها مشغول جمع آوری زباله و گدایی هستند و بعضا در خرابه هایی که فاصله کوتاهی با شهر دارند، زندگی می کنند. در روستاها اکثر دخترها فقط تا پایه ششم ادامه تحصیل می دهند و بعد خانه نشین می شوند. از آنجا که امکانات کافی وجود ندارد دختران در این منطقه از سن ۱۴ الی ۱۵ سالگی به بعد شوهر داده می شوند و در برخی روستاها نیز شاهد ازدواج دختران ۹ ساله هستیم. ما شدیداً با مشکل سوء تغذیه مواجه هستیم و شاهدیم که برخی دانش آموزان بدون صبحانه وارد مدرسه شده و تا ظهر که مدرسه تعطیل می شود چیزی برای خوردن ندارند. باید گفت اینجا شرایط وحشتناک است. گاهی اوقات همکلاسی های بچه ها یا خودمان به آنها صبحانه کوچکی

دزدی در چنین حدی بدون دست داشتن و تایید بالاترین مقامات جمهوری اسلامی غیر ممکن بود صورت گیرد. پس از آن هرگز معلوم نشد سرنوشت آن هیجده و نیم تن طلا و پول چه شد. البته این تنها مورد نبود و نیست. در بحبویه خیزش ۸۸ خبرگزاری سی ان ان لیستی شامل بیش از ۶۰ نفر از مقامات حکومتی را منتشر کرد که ارقام نجومی سپرده های آنها در بانک های اروپایی، دوی و مالزی و ... را برملا میکرد.

## کارگران در هفته ای که گذشت

### شهلا دانشفر

بحث کارگران در هفته ای که گذشت را با خیزش های انقلابی مردم در شهرهای مختلف خوزستان که مستقیماً به جنبش اعتراضی کارگری ربط پیدا میکند، شروع میکنم.

### بحران آب، بحران برق، بحران معیشت خیزش های انقلابی مردم در راه است

بحران آب آنهم در گرمای هولناک تابستان دامنه اش شهرهای بسیاری از ایران را گرفته است. به گفته معاون راهبردی و نظارت بر بهره برداری آبهای کشور این بحران در تابستان امسال ۳۳۴ شهر یعنی جمعیتی بالغ بر ۳۴ و نیم نفر را دربر میگیرد. در تقابل با این موضوع اعتراضات گسترده ای در شهرهای خوزستان و در شهرهای دیگر به پا شده است.

اکنون در این گرمای وحشتناک تابستان، خصوصاً در مناطق جنوب ایران بی آبی، شوری و گل آلود بودن و آلودگی آب آشامیدنی و در بسیاری جاها قطعی متناوب آن همراه با قطعی برق وضعیت فاجعه باری برای مردم ایجاد کرده است. از جمله در همین هفته در جایی چون رامهرمز مردم بسیاری بدلیل آلودگی آب مسموم شدند. بعلاوه اینکه مردم برای گرفتن جرعه آبی باید با دبه های خود در صف های طولی ساعتها انتظار بکشند. ضمن اینکه قیمت آب نیز در آنجاهایی که برای فروش عرصه میشود هر روز بالاتر میرود. بدین ترتیب بی آبی زندگی بخش عظیمی از مردم را فلج کرده و حقیقتاً سلامت و بهداشت آنان را به خطر انداخته است. در عین حال از تبعات مهم دیگر این فاجعه انسانی که دامنگیر کشاورزان و کارخانجات و غیره میشود، بیکاری میلیونی مردم است و هم اکنون گزارشات بسیاری حاکی از قطع متناوب آب در شهرهای مختلف و در شهرهای صنعتی است. بطوریکه بی آبی و قطعی برق خود به بهانه ای دیگری برای تعطیلی کارخانجات و از کار بیکار شدن کارگران تبدیل شده

است.

بدین ترتیب در کنار هزاران درد مصیبتی که زندگی و معیشت کل جامعه را به تباهی کشیده و جدالی هر روزه بر سر آنها جریان دارد، معضلی چون بی آبی و ابعاد فاجعه بارش همچون جرقه ای منجر به شعله ور شدن اعتراضات مردم در شهرهای بسیاری در خوزستان شده و علاوه بر شهرهای خوزستان در شهرهای دیگر هم اعتراض علیه "بحران آب" دارد سر بلند میکند. نمونه اش اعتراضات گسترده کشاورزان در شهرهای مختلف اصفهان است.

مردم جمهوری اسلامی و سیاست های سودجویانه و چپاولگرانه اش را عامل و مسبب مستقیم "بحران آب" و ابعاد فاجعه بار تخریب و آلودگی محیط زیست میدانند و این را بارها و بارها در شعارهای اعتراضی و بیانیه هایشان اعلام کرده اند. از همین روست که اعتراضات مردم علیه بحران آب فوراً به چالش کل حکومت و بساط دزد سالارز تبدیل میشود. از جمله در این اعتراضات مردم بخاطر بی آبی به خیابان می آیند، و در شعارهایشان نه تنها به بی آبی، بلکه به بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و تمامی مصائبی که جمهوری اسلامی بر سر جامعه آورده است، اعتراض خود را اعلام میکنند. اعتراضات گسترده ای که امروز در شهرهای مختلف خوزستان به راه افتاده گویای روشن همین حقیقت است. از همین رو و به باور من آنچه در این هفته در شهرهای خوزستان اتفاق افتاد، بطور واقعی اتفاقاتی در ادامه خیزش دیماه است. در این مبارزات مردم با مبارزات جانانه خود بیش از پیش عزم جزم خود را برای سرنگونی کل بساط توحش و بربریت جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند.

به عبارت روشنتر شروع این اعتراضات، موضوعش اعتراض علیه بی آبی و یا قطعی برق است اما در فضای انفجاری جامعه و وضعیت جهانی ای که جمهوری اسلامی بر کل جامعه حاکم کرده

است، به سرعت به شکل خیزش های شهری در آمده و فراتر میرود. از جمله طی این هفته در خرمشهر مردم به پا خاستند و در همبستگی با آن در آبادان، ماهشهر، زهوی میناب هرمزگان، ماهشهر و سریندر نیز به خیابان آمدند، راهپیمایی کردند، شعارهایی علیه حکومت اسلامی و بساط دزدسالار حاکم سر دادند، با مامورین انتظامی درگیر شدند، با سنگباران آنها کوچه به کوچه جنگیدند و خیلی جاها آنان را فراری دادند.

این چنین است که اعتراضات علیه بی آبی و جهنم جمهوری اسلامی شهر به شهر در خوزستان و دیگر شهرهای ایران گسترش یافت. اعتراضاتی که به سرعت شکل خیزش های شهری بخود میگیرد. این اعتراضات بطور واقعی مبارزات کل مردم در ایران را وارد فاز جدیدی کرده است.

### همبستگی مبارزاتی یک فاکتور مهم در قدرتیگری مبارزات مردم

در هفته ای که گذشت خرمشهر و آبادان به صحنه جنگ مردم با جنایتکاران حاکم تبدیل شد و مردم اهواز، ماهشهر، سریندر، در همبستگی با مردم خرمشهر و آبادان و در اعتراض به وضع جهنمی که جمهوری اسلامی برای کل جامعه به پا کرده است، به خیابان آمدند. بعلاوه اینکه تشکلهای مختلف کارگری چون انجمن صنفی برق و فلز کرمانشان و اتحاد بازنشستگان با بیانیه های اعتراضی خود حمایت خود را از مبارزات مردم خرمشهر اعلام داشتند. در بخشی از بیانیه اتحاد بازنشستگان چنین آمده است: "این بار مردم خرمشهر؛ شهری که پس از گذشت ۳۰ سال از جنگ ایران و عراق هنوز ویران است به خیابان آمدند و يك صدا آب سالم را می خواهند. ولی جواب تشنگی آنان سرکوب است. گروه اتحاد بازنشستگان با این مردم تشنه که به حق خواستار حیاتی ترین خواسته خود هستند، اعلام همبستگی می نماید و ضمن محکوم کردن اعمال سرکوبگرانه، خود را ملزم به



شهرهای مختلف طی بیانیه هایی اعتراضی به این همبستگی ها پیوندند. سرکوبگری های حکومت را شدیداً محکوم کرده و خواستار روزهایی اخیر در خوزستان شویم. مساله آب مساله هست و نیست و مساله زندگی مردم است. با اعتصابات سراسری و اعتراضات حمایتی، از مبارزات مردم در شهرهای خوزستان با قدرت تمام پشتیبانی کنیم.

### کمیته های اعتصاب را شکل دهید

همانطور که قبلاً اشاره کردیم خیزش دیماه کیفیت جدیدی به اعتراضات کل جامعه داد. در فاصله دیماه تا کنون به میدان آمدن دختران انقلاب با بر سر چوب کردن حجاب و چالش حکومت آپارتاید جنسی، اتفاقات مهمی چون اعتصاب عمومی در بانه و گسترش دامنه اش به شهرهای دیگر مرزی، به پا خاستن مردم کازرون، اعتصاب عمومی رانندگان کامیون در ۱۸۰ شهر، اعتصاب عمومی بازار علیه گرانی و کشیده شدن دامنه اش به سطح جامعه علیه فقر و بیکاری و کلیت بساط توحش و بربریت حکومت اسلامیف در کنار اعتراضات هر روزه کارگری و نمونه های قدرتمندی چون مبارزات گروه ملی فولاد اهواز و هیکو در اراک و تجمعات معلمان و بازنشستگان همه و همه اتفاقات مهمی است که اوضاع را به سرعت به جلو برده است. بدنبال این اتفاقات است که امروز شاهد سریندل کردن خیزش های شهری در خرمشهر و در ماهشهر سریندر هستیم.

اولین تاکید من در این نوشته بر تاثیر بلافصل همه این رویدادها بر توازن قوای سیاسی کل جامعه است که کارگران و بخش های مختلف مردم را در موقعیت مبارزاتی جدید

انعکاس این فریاد های حق خواهی می نماید." همچنین در بخشی از بیانیه انجمن صنفی برق و فلز کرمانشاه در حمایت از مبارزات مردم خرمشهر چنین آمده است: از هفته پیش اعتصابات، اعتراضات و تظاهرات ها علیه گرانی، فقر، بیکاری و نبود آب آشامیدنی در شهرهای زیادی شکل گرفته و به علت ناتوانی دولت و حاکمیت در برآورده نمودن مطالبات مردم همچنان با وسعت و قدرت روزافزون ادامه میابد.

حضور میلیونی امروز مردم در عرصه های مختلف اعتراضی، تداوم مبارزات و تظاهرات های دی ماه سال گذشته و اعتراضات اعتصابات مردم بانه، تظاهرات های مردم کازرون، رانندگان کامیون، بازاریان و کل مردم به تنگ آمده از فقر، بیکاری و گرانی است، که حاکمان ناتوان از پاسخگویی به خواسته های مردم، به عبث برای خاموش کردن صدای اعتراض و حق طلبی ۸۰ میلیون انسان، به سرکوب و کشتار بی رحمانه متوسل شده اند. اما امروز می بینیم که نه تنها سرکوب و کشتار نتوانسته است مانع به خیابان آمدن مردمی که چهل سال است متحمل غیر انسانی ترین شرایط زندگی با اعمال شدیدترین فشارها و سرکوبها شده اند، نگردیده، بلکه حق طلبانه تر و متحدانه تر از قبل با تسخیر خیابان ها و میدانی شهرها خواهان تحقق خواسته هایشان هستند."

بیانیه انجمن صنفی برق و فلز کرمانشاه در خاتمه بر تظاهرات، اعتصاب و تجمع در اعتراض به هر موضوع و معضلی به عنوان حقوق ابتدائی مردم تاکید کرده و خواستار توقف سرکوب مبارزات مردم میشود.

جا دارد که تمامی تشکلهای کارگری و تمامی نهادهای مبارزاتی مدافع حقوق انسان از



## دور تازه برآمد جنبش انقلابی، ...

از صفحه ۲

انحلال زندانهای سیاسی، و سایر اقداماتی که در منشور اعلام شده سریعتر و پیگیرتر و جامعه تر انجام بگیرد به همان نسبت به قدرت رسیدن نیروهای ارتجاعی و راست تحت نام انقلاب، توطئه علیه انقلاب و حتی هجوم دولتهای ارتجاعی به انقلاب دشوارتر خواهد بود.

یک نتیجه مهم دیگر این نوع اقدامات جلب بسیج نیروها و احزاب چپ و مترقی و افکار عمومی در سطح جهانی در حمایت از انقلاب در ایران خواهد بود و این بنویه خود عامل موثری در عقب راندن ارتجاع داخلی و جهانی علیه انقلاب است.

رکن سوم منشور بر دخالت و اعمال اراده مستقیم مردم در امر حکومت و اداره جامعه تاکید میکند. نباید اجازه داد بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی نوع دیگری از دولت مافوق مردم شکل بگیرد. توده مردم باید در تشکلهای نوع شورائی متشکل بشوند و اداره جامعه را خود مستقیماً و بلاواسطه در دست بگیرند. در انقلاب ۵۷

شوراها وسیعاً شکل گرفت و همه دموکراسی و آزادی را با شوراها تداعی میکردند. در انقلابی که در پیش داریم باید آگاهانه و از قبل به استقبال شوراها رفت و آنها را سازمان داد. در شرایط جاری شوراها یا تشکلهای توده ای نوع شورا میتوانند هم ابزار قوی و موثری در سازماندهی مبارزه و انقلاب باشند و هم در فردای سرنگونی حکومت بعنوان ارکان دولت انقلابی برسمیت شناخته بشوند و امر حکومت را مستقیماً در دست بگیرند. این یک امر مطلقاً ضروری برای تضمین و تثبیت پیروزی انقلاب و تحقق اهداف انقلاب است.

و بالاخره رکن چهارم منشور نظام اقتصادی سرمایه داری که منشا همه مصائب و نابرابریها و بیحقوقیها در جامعه است را نشانه گرفته است. ما بارها اعلام کرده ایم جمهوری اسلامی هارترین و ارتجاعیترین نوع حاکمیتی سرمایه داری است و میتواند و باید آخرین آن نیز باشد. منشور اعلام میکند که تداوم سرمایه داری در ایران بجز ریاضتکشی اقتصادی و فقر و بیحقوقی و محرومیت

حاصلی برای توده مردم در بر ندارد و تنها با امحای بردگی مزدی میتوان آزادی و رفاه و برابری را برای توده مردم فراهم کرد. به این معنی رکن چهارم منشور مینا و اساس پیروزی انقلاب و تضمین و تثبیت کننده یک جامعه انسانی و عاری از هر نوع تبعیض و محرومیت و بیحقوقی است.

**خلیل کیوان:** در مورد اشکال مبارزت و اعتراضات توده ای و مضمون این مبارزات توضیح دادید. اجازه بدهید سؤال آخر را به اشکال سازماندهی پردازیم. چگونه میتوان در شرایط حاضر متشکل شد. چه اشکالی از سازماندهی را باید در دستور گذاشت؟

**حمید تقوایی:** به نظر من باید سه نوع سازماندهی را همراه و در ارتباط با یکدیگر به پیش برد نوع اول سازماندهی حزبی است. ما مشخصاً از خیزش دیمه بر سازماندهی حزبی در داخل ایران و گسترش جمعهای حزبی در شرایط پرتلاطم حاضر متمرکز شدیم و این سیاست را فعلاً به پیش میبریم. جمعها و واحدهای حزبی نه تنها باید تکثیر بشوند و گسترش پیدا کنند بلکه باید برای انجام وظایف خطیری که در پیش است خود را آماده کنند. این به نظر من پیش شرط موفقیت

ما در اشکال دیگر سازماندهی است.

نوع دوم سازماندهی تشکیلیاتی در عرصه های مبارزاتی مختلف نظیر علیه اعدام، آزادی زن، مبارزات دانشجویی، آزادی زندانیان سیاسی و غیره است. حزب ما در تمام این عرصه ها فعال بوده است و دستاوردهای ارشمندی داشته است. شرایط انقلابی حاضر ایجاب میکند و اجازه میدهد که نهادهای تشکلهای و شبکه های مبارزاتی با خواستها و اهداف مشخص و اعلام شده در عرصه ها و در ابعاد گسترده ای بصورت علنی و نیمه علنی شکل بگیرند و فعال بشوند. تحقق این امر یک وظیفه و اولیت مهم حزب در شرایط پر تحول حاضر است.

بالاخره باید به تشکلهای ویژه شرایط انقلابی حاضر تاکید کنم، اینها تشکلهایی هستند که در دل انقلاب و برای سازماندهی انقلاب شکل میگیرند. میتوان آنها را شکل معینی از تشکیلیاتی در عرصه جنبش سرنگونی و انقلاب دانست. انقلاب یک خیزش گسترده و توده ای است که خارج از اراده و نقشه های سازمانی احزاب و نیروهای سیاسی شکل میگیرد اما تقویت و گسترش و تعمیق و نهایتاً پیروزی آن در گرو سازمانیابی توده مردم

بوسیله احزاب و نیروهای انقلابی نظیر حزب ما است. ایجاد این تشکلهای هم از نظر تعمیق و رادیکالیزه کردن مضمون انقلاب، که ارکان آنرا در سؤال قبلی توضیح دادم، و هم از نقطه نظر شکل موثر و کارآمد اعتراض و مبارزه توده ای - از تظاهرات و اعتصابات تا دیگری با نیروهای سرکوبگر و باریکادیندی خیابانی، و تا کسب آمادگی برای کنترل محلات، قیامهای شهری و حمله به مراکز حکومت و غیره - میتوانند و باید نقش تعیین کننده ای در پیشروی انقلاب ایفا کنند.

(در این مورد به اطلاعیه حزب تحت عنوان "شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم" که بتاريخ ۱۵ تیر ۳۹۷ منتشر شده است، رجوع کنید).

فعالیت در هر سه زمینه سازماندهی حزبی، عرصه ای و سازماندهی انقلاب یک امر محوری و اولویت فعالیت حزب در شرایط حاضر است. من همین جا همه اعضا و کادرها و دوستداران حزب در داخل کشور را به پیشبرد فعالانه این وظایف فرامی خوانم.

## زندانی سیاسی رامین حسین پناهی را از مرگ نجات دهیم!

مامورین جمهوری اسلامی زخمی و سپس دستگیر شد. او در ۵ بهمن ۱۳۹۶ از سوی شعبه یک دادگاه سندانج به ریاست قاضی سعیدی و در حالی که تنها یک جلسه ای دادگاهی برای رسیدگی به اتهامات وی برگزار شده بود، به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" و "عضویت در کومله" به اعدام محکوم شد. رامین حسین پناهی در مصاحبه ای اعلام کرد که "این حکم را قبول ندارم" چرا که به گفته او "نه روند دادگاه عادلانه بود نه حکمی که صادر شده بر پایه واقعیات است". دیوان عالی جمهوری اسلامی حکم اعدام رامین را تایید کرد و اعتراض به این حکم را مردود دانست.

ما همه را فرامی خوانیم که با صفحه ۱۲

اخبار منتشر شده در باره وضعیت زندانی سیاسی رامین حسین پناهی بشدت نگران کننده است. او را در حالیکه از عفونت کلیه رنج می برد در زندان مورد ضرب و شتم قرار داده اند. رامین را به بخش متهمین جرایم جنایی منتقل کرده اند و برایش خط و نشان کشیده اند که "یا اعدام می کنیم یا به دست این زندانیان کشته می شوی!"

از سوی دیگر خانواده رامین حسین پناهی با صدور یک اطلاعیه اعلام کرده اند که رژیم قصد دارد رامین را بی سرو صدا و بدون اطلاع قبلی به وکیل و خانواده اش اعدام کند.

رامین حسین پناهی در تیرماه ۱۳۹۶ به ضرب گلوله

قدرتمند کردن مبارزات کل جامعه خواهد داشت و مسیر را بر مبارزات سراسری ما مردم علیه توحش و بربریت حاکم هموارتر می کند.

در یک کلام همه شواهد از جریان داشتن روندی انقلابی در کل جامعه حکایت میکند و توازن قوا هر روز بیشتر به نفع مبارزات ما مردم تغییر کرده و به جلو میروند. همچنان که اشاره کردم اعتصابات سراسری کارگری نقش مهمی در جلوگیری از بردن اوضاع و وارد کردن ضربه کاری بر پیکر جمهوری اسلامی دارد. ایجاد کمیته های اعتصاب یک گام مهم در جهت تدارک سازمانیافته اعتصابات سراسری کارگری است و باید دست به کار شد. جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند.

**زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه انسانی!**  
**نابود باد حکومت اسلامی!**

## کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۴

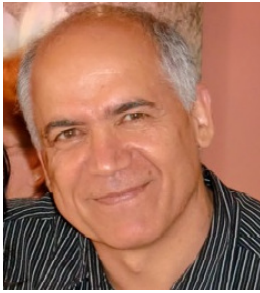
اتحاد بازنشستگان، جنبه های مهمی از مبارزات قدرتمند مردم را در برابر سرکوبگری های حکومت به نمایش میگذارد. و همه اینها دستاوردهای ارزنده مبارزات مردم و الگوهای درخشانی از اعتراضات متحد و قدرتمند شان است که در دستهایش را باید در همه جا به کار گرفت و تکثیرش کرد.

دومین تاکید من در چنین شرایطی بر اعتصابات سراسری و حمایتی کارگری و از جمله اعتصابات سراسری در مراکز مختلف کارگری در شهرهای مختلف خوزستان چون مراکز نفت، پتروشیمی ها، فولاد ملی اهواز، نیشکر هفت تپه و دهها مرکز کارگری دیگر که همواره کانون های داغ اعتراض بوده اند، است. وقوع چنین اتفاقی نقش مهمی در تداوم مبارزات مردم و عقب زدن سرکوبگری های رژیم و در تعمیق و

به مراتب بهتری قرار داده است. و باید فرصت را دریافت. روشن است که در برابر چنین وضعیتی جمهوری اسلامی تلاش میکند اعتراضات را سرکوب کند. اما مقابله مردم با سرکوبگران حکومت، ایستادگی آنان در برابر سرکوبگران هر جا که یورش میبرند و فراری دادنشان، جمع شدن در مقابل مراکز بازداشت حکومت و نمونه هایی جالبی چون بازکردن درب کلاتری در خرمشهر و آزاد کردن تعدادی از بازداشت شدگان، شکل گرفتن اشکالی از همبستگی مبارزاتی و به میدان آمدن شهرهای بیشتری در حمایت از مبارزات مردم خرمشهر در خوزستان و گسترش دامنه اعتراضات آنان در سطح منطقه و بالاخره بیانیه های حمایتی تشکلهای کارگری چون انجمن صنفی برق و فلز کرمانشاه و

## آینده مذهب در ایران

گفتگوی سیما بهاری از تلویزیون کانال جدید با اصغر کریمی  
بخش دوم و پایانی



آزاداندیشی رشد نکند. در کنفرانس گوادلوپ تصمیم گرفتند که از خمینی و اسلامی‌ها دفاع کنند و رسانه بی بی سی را هم در اختیار این جریان گذاشتند و جمهوری اسلامی را سر کار آوردند. قبل از این وقایع در شوروی هم اتفاقاتی افتاد، مشخصا در دوره استالین ناسیونالیسم و سرمایه داری قدرت گرفت و چپ و آزاداندیشی که سرعت تحت تاثیر انقلاب اکتبر در ایران و منطقه و در سطح جهان در حال رشد بود متوقف شد و فضای جامعه تحت تاثیر جنبش ضد امپریالیستی قرار گرفت. حتی در کشورهای غربی هم جریان‌های چپ عقب مانده ای هستند که از هر کشفی که به اصطلاح علیه امپریالیسم باشد دفاع میکنند و برایشان مقدس است از اسلام تا جمهوری اسلامی و حسن نصرالله. در ایران هم تحت تاثیر این وقایع جهانی و مخصوصا بعد از کودتای ۱۳۳۲ روشنفکران عقب مانده و مذهب زده ای مثل جلال آل احمد جای روشنفکران ضد دینی مثل هدایت و دشتی را گرفتند و فضای جامعه ایران برای بیش از دو دهه تحت تاثیر اینها قرار گرفت. البته همچنان در میان توده وسیع مردم فرهنگ مدرن غربی در حال رشد بود و در دوره جمهوری اسلامی این فرهنگ اوج گرفت و الان شاهد روشنفکران ضد مذهبی هستیم که هر چند امکان اینکه صریحا علیه مذهب حرف بزنند را ندارند ولی کاملا معلوم است که اینها ربطی به مذهب ندارند. طیف وسیعی از دانشجویان و استادان دانشگاه را داریم که ضد مذهبند و جمهوری اسلامی هزاران نفرشان را بعنوان استادان سکولار اخراج کرد. الان ابعاد این جنبش ضد مذهبی و سکولار و افکار آزاداندیشانه و

صفحه ۷

باشد یا از طرف بخشی از مردم مطرح شود فرقی در ارتجاعی بودن آن ندارد. يك تفکر عقب مانده و خرافی، عقب مانده و خرافی است، می‌خواهد دولتی باشد یا اعتقاد بخشی از مردم. طبیعا این دولت است که حکومت مذهبی و قوانین ارتجاعی مذهبی را تحمیل میکند و این خرافات را به باور بخشی از مردم هم تبدیل میکند، به این معنی حساب دولت را با مردمی که اعتقاد مذهبی دارند باید جدا کرد ولی حساب اعتقاد و این ایدئولوژی را نباید از هم جدا کرد. ولی امروز کمتر جریانی جرات میکند بگوید حزب کمونیست کارگری نسبت به مذهب تندروی میکند چون آشکارا در مقابل جامعه قرار میگیرد. سی سال قبل اینطور نبود امروز مردم هم متوجه شده اند که حزب کمونیست کارگری حق داشت.

**سیما بهاری:** صد سال قبل در دوره مشروطه روشنفکران سرشناسی علیه مذهب حرف میزدند. فضای ادبی جامعه ایران برای دوره ای تحت تاثیر نویسندگان ضد مذهبی مثل صادق هدایت و علی دشتی و غیره بود. چرا این پدیده بعدا عقب رفت؟ الان وضعیت چطور است؟

**اصغر کریمی:** دوره مشروطه روشنفکرانی داشتیم که صریح علیه مذهب حرف میزدند بعدا در دهه بیست و سی دشتی و هدایت را داشتیم ولی امروز کمتر نویسندگان بنام و مشهوری داریم که مثل آنها علیه مذهب و اسلام حرف بزنند. البته بعدا اشاره میکنم که در میان نسل جوان و نویسندگان این نسل گرایش ضد مذهب شدیدا رشد کرده است ولی شرایط به آنها اجازه نمیدهد راحت علیه مذهب حرف بزنند. علت این عقبگرد مربوط به اتفاقاتی بین المللی است. طالبان را دولت های غربی و مشخصا دولت آمریکا به جان مردم افغانستان انداختند که دیوار سبزی دور شوروی بکشند. جمهوری اسلامی را سر کار آوردند که چپ قدرت نگیرد و

قضایی و از کل قوانین جدا باشد. اما حزب کمونیست کارگری نه تنها در مورد این مسائل خیلی صریح و روشن حرف میزند و برنامه روشنی دارد بلکه میگوید مذهب مثل دخانیات است باید مثلا کودکان را از آن مصون کرد. یا صریحا از ممنوعیت حجاب کودک حرف میزند و میگوید صرف اینکه پدر و مادری به اسلام اعتقاد دارند، نباید این حق را داشته باشند که حجاب سر دختر بچه خود بکنند. اینها گوشه ها و زوایایی از برخورد حزب کمونیست کارگری به مذهب است. حقوق کودک، حقوق زن و کلا حقوق جامعه با مذهب خوانایی ندارد ولی بخش زیادی از اپوزیسیون نسبت به این مسائل سکوت میکنند و به مذهب امتیاز میدهند. در نتیجه يك تفاوت بسیار اساسی میان حزب کمونیست کارگری با این اپوزیسیون وجود دارد و به این معنی حزب ما بسیار با مردم و آرمان رهایی مردم از خرافه و مذهب و با جنبش ضد مذهبی که در جامعه وجود دارد همراهی دارد.

**سیما بهاری:** برخی از جریاناتی که خود را چپ میدانند هم مذهب مردم را از حکومت جدا میکنند و معتقدند که حزب کمونیست کارگری در این زمینه تندروی میکند. در این مورد چه میگوید؟  
**اصغر کریمی:** ما بخشی از جنبش کمونیسم کارگری هستیم و با بقیه چپ تفاوت جدی داریم و از يك جنبش نیستیم. این يك واقعیت است. ولی امروز بخش زیادی از جریانات چپ هم سعی میکنند یه جور شبیه حزب کمونیست کارگری حرف بزنند. قبل تر حتی از تفاوت مذهب مردم با مذهب دولت حرف میزدند، یا از الهیات رهایی بخش صحبت میکردند، ولی از نظر ما همیشه مذهب يك خرافه بوده است. اینکه دختر را میتوان از ۹ سالگی شوهر داد بخشی از مذهب است و ارتجاعی و ضد کودک و ضد انسان است می‌خواهد این عقیده دولتی

اعتقاد داشتند احترامی قائل نیستیم. ولی آزادی مردم به این باورها را به رسمیت میشناسیم و همینطور آزادی بیخدایی را. آزادی مذهب همیشه در طول تاریخ وجود داشته یا کم و بیش وجود داشته است، هرچند دولت هایی مثل جمهوری اسلامی پیروان برخی مذاهب را سرکوب میکنند، ولی آخوند و مسجد و امامزاده و تبلیغ اسلام همیشه آزاد بوده در این مملکت و این بیخدایان و مخالفین این خرافات بوده اند که هیچوقت آزاد نبوده اند. بنابراین بی خدایی هم باید مطلقا آزاد باشد و از نظر قوانین هیچ محدودیتی برای هیچ نوع اعتقادی نباید وجود داشته باشد.

**سیما بهاری:** در برخورد به مذهب چه تفاوتی میان حزب کمونیست کارگری با سایر جریانات اپوزیسیون هست؟

**اصغر کریمی:** تفاوت خیلی زیادی وجود دارد. بخش زیادی از اپوزیسیون از آزادی مذهب حرف میزند اما یکبار زیانشان نمیچرخد که از آزادی بیخدایان هم حرف بزنند. یا همیشه میگویند باید به باورهای مردم احترام گذاشت. یا میگویند ایران جامعه ای اسلامی است. به آخوند باج میدهند. همین رضا پهلوی که بنظر من خودش اعتقادات مذهبی ندارد ولی پای اعلامیه هایش مینویسد خداوند نگهدار ایران باد و دائم از روحانیت مترقی! حرف میزند. اینها همیشه احتیاج دارند آخوند و روحانیت را کنار خود داشته باشند و به آن باج میدهند. در نتیجه قاطعیت حزب کمونیست کارگری علیه بسیاری از جنایات مذهب را هم ندارند. يك کدامشان نمیگویند میلیاردها دلاری که صرف موسسات مذهبی شده باید مصادره و صرف نیازهای مردم بشود. این خواست را مطرح نمیکنند که دیگر مذهب رسمی نخواهیم داشت. هیچوقت به صراحت نمیگویند که مذهب باید از دولت و آموزش و پرورش و سیستم

**سیما بهاری:** حزب کمونیست کارگری خود را يك حزب ضد مذهب تعریف میکند. اگر حزب قدرت را بگیرد با مذهب و مردم مسلمان چه میکند؟ چقدر آزادی مذهبی وجود دارد؟

**اصغر کریمی:** حزب کمونیست کارگری ضد مذهب است دقیقا به این دلیل که طرفدار خوشبختی مردم است، اینکه مردم چه اعتقادی داشته باشند، مسلمانند یا مسیحی یا زرتشتی یا بی مذهب، حزب برای آزادی و رفاه و خوشبختی آنها مبارزه میکند و نمیتواند ضد مذهب نباشد. چون مذهب را مغایر آزادی مردم میدانند و آنرا مایه ذلت و تحقیر و بدبختی مردم میدانند. بعنوان اولین جریانی که از آزادی های بی قید و شرط بیان و عقیده و فعالیت رسانه ها و تجمع و اعتراض دفاع کرده ایم، این آزادی ها روشن است که شامل کسانی هم میشود که اعتقادات مذهبی دارند. حزب کمونیست کارگری احترامی به باورهای مذهبی ندارد اما به آزادی باور احترام میگذارد. مردم باوردهای عقب مانده و خرافی هم دارند. بعضا اعتقاد به خدا دارند یا اعتقاد به مسیح و محمد دارند، بعضی ها گاوپرستند، هنوز فرقه هایی پیدا میشوند که فکر میکنند خورشید دور زمین میچرخد یا زمین مسطح است و همه اینها باید در بیان اعتقادات خود کاملا آزاد باشند. هیچکس حق کنکاش در مکنونات قلبی مردم ندارد، هیچکس موقع استخدام یا رای دادن و انتخاب کردن و انتخاب شدن حق پرس و جو در مورد اعتقادات مردم را ندارد. دولت باید آزادی عقیده و بیان را مطلقا به رسمیت بشناسد. ولی ما به خیلی از این باورها مطلقا احترامی قائل نیستیم. ما به افکار ضد زن اعتقاد نداریم، به عقاید ضد کودک اعتقاد نداریم به خرافه اعتقاد نداریم. به این عقاید احترامی هم نمیگذاریم. همانطور که برای فاشیسم که عده ای از مردم هم به آن

## آینده مذهب در ایران

از صفحه ۶

گرایش به علم و حقیقت بسیار وسیع است و اساسا این گرایش است که فضای امروز جامعه ایران را شکل میدهد.

**سیما بهاری:** بودجه زیادی صرف مذهب میشود و در این چهل سال هم صدها میلیارد دلار صرف ترویج مذهب شده. سیاست حزب در این زمینه چیست؟

**اصغر کریمی:** همینطور که گفتید ابعاد این بودجه خیلی وسیع است سالی چند میلیارد دلار صرف صدها موسسه مذهبی از دفتر نشر آثار امام تا مسجد و امامزاده و گله آخوند و آیت الله و نماز جمعه ها میشود. رادیو تلویزیون که هزینه زیادی صرف آن میشود اساس تبلیغاتش مذهبی است و آیت الله نقش اصلی در این رسانه دارند.

حکومت میدانند که جنبش ضد مذهبی قدرتمندی وجود دارد و مردم در ابعادی میلیونی ضد مذهب شده اند فکر میکنند هرچه بیشتر پول صرف مذهب بکنند میتواند آنرا نجات بدهد ولی همه اینها به ضد خودش تبدیل شده است و مردم عمیقا از اینکه اینهمه هزینه صرف مذهب میشود بسیار عصبانی هستند و همین هم به رشد بی مذهبی و ایده های ضد مذهبی کمک کرده است. مردم میگویند چرا این هزینه ها صرف رفاه و تحصیل و طب و تامین زندگی مردم نمیشود. حزب کمونیست کارگری میگوید این اموالی که در این ۳۹ سال توسط موسسات مذهبی مصادره شده تماما باید به جامعه برگردد و صرف رفاه مردم شود. این بخشی از برنامه ما است که جامعه با آغوش باز از آن استقبال میکند.

**سیما بهاری:** مثلا دهها هزار مسجد و امامزاده و غیره در ایران هست که هزینه های زیادی صرف آنها شده است. با اینها چه میکنید؟

**اصغر کریمی:** هزاران مسجد خالی در شهرها و روستاها وجود دارد در حالیکه يك صدم آنها در مانگا و کتابخانه و مهد کودک و محل های تفریحی نداریم. فردا بخش اعظم این مساجد به کتابخانه و درمانگاه و

مهد کودک و محل هایی برای شادی و تفریح و رقص و فعالیت های هنری تبدیل میشود. چگونه اینکار صورت میگیرد؟ بنظر ما شوراهای مردم که باید در هر محله و شهری و در هر کارخانه و دانشگاهی تشکیل شوند و تصمیم گیری کنند در مورد این مساجد هم تصمیم میگیرند و من فکر میکنم در سراسر کشور حتی در هر ده کوره ای شوراهای مردم تصمیم میگیرند که ۹۰ درصد این مساجد را به اماکنی برای کارهای مفید و مورد نیاز جامعه تبدیل کنند. مردم قطعا به اتفاق رای میدهند که از این هفت مسجعی که در محلشان هست شش تا را به مکان های مفید تبدیل کنند و یکی را برای مومنان خدا نگه دارند. از ۵۰۰۰ متر مربعی که صرف فلان امامزاده شده ۴۰۰۰ مترش صرف کارهای دیگر میشود یا قبر خمینی که چند میلیارد دلار صرف آن شده بخش اعظمش را صرف امور عام المنفعه میکنند و يك اطاقش را هم برای قبر این بابا نگه میدارند. موقعی که مردم رفاه و آزادی و امکانات تفریحی و ورزشی و غیره داشته باشند خرافه هم کم میشود و مشریان این اماکن هم بسیار کم میشود و کم کم این اماکن متروکه میشوند.

**سیما بهاری:** جنبش ضد مذهبی بنظر شما چه گام های دیگری باید به جلو بردارد، چگونه میتواند قوی تر و وسیع تر بشود و نقش مهمتری در تحولات سیاسی جامعه ایران داشته باشد؟

**اصغر کریمی:** جنبش ضد مذهبی در ایران تا همین الان نقشی بسیار مهم و تاریخی ایفا کرده، در جنگی نابرابر با جمهوری اسلامی و زندان و شکنجه و امکانات وسیع تبلیغی رژیم علیه آزادی اندیشی پیروز و باید قدر و اهمیت خود را بداند. این جنبش در دهه های قبل اساسا فرهنگی بوده هر چند کسی که مدافع حقوق زن و کودک بوده و آزاد اندیش و غیر مذهبی بوده سرنگونی طلب هم بوده، ولی جنبش ضد مذهبی اساسا در قالب فرهنگی جلو رفته است. الان این جنبش سیاسی شده است. این جنبش نقش مهمی هم در

منطقه خواهد داشت، تاکنون هم تاثیرات قابل توجهی داشته است. با سرنگونی جمهوری اسلامی کمر اسلام سیاسی در منطقه شکسته میشود و جنبش سکولار و جنبش های رهایی زن عروج خواهند کرد و حکومت های اسلامی را در هم میشکنند. در سطح بین المللی هم تاثیرات زیادی در عقب راندن مذهب خواهد داشت. ولی باید پلانفرم خودش را داشته باشد. باید محافل و شبکه های متعدد ضد مذهبی که الان مشغول فعالیت اند خود را به يك پلانفرم روشنی مجهز کنند، مطالبات این جنبش را بنویسند، تبلیغ کنند، پخش کنند در خانواده ها بحث کنند و انواع شبکه ها و گروهها را برای اینکار سازمان بدهند. این فعالیت ها در شبکه های اجتماعی شکل گرفته است ولی باید ابعاد وسیعتری بخود بگیرد و به يك پلانفرم روشن که جامعه بعدی با مذهب و نهادهای مذهبی چه برخوردی باید بکند، مجهز شود. چنین پلانفرمی این جنبش را بسیار خودآگاه تر و متشکل تر میکند و برد آنرا بسیار بیشتر میکند.

**سیما بهاری:** در ادبیات حزب کمونیست کارگری از صنعت مذهب و مذهب زدایی صحبت میشود. منظور چیست و چه اقداماتی مد نظر دارید؟ این وظیفه دولت است یا احزاب و فعالین و غیره یعنی به شیوه غیر دولتی؟

**اصغر کریمی:** اگر قبول کنیم که مذهب يك بلیه اجتماعی است، عامل تحقیر و ستم و بیحقوقی و ذلت و فساد است، باید مثل دخانیات به آن برخورد کرد. دخانیات را نباید ممنوع کرد اما کودک را باید از آن مصون داشت. در مورد مذهب هم همینطور است. پدر به صرف اعتقادش نمیتواند بگوید میخواهم بچه ام را حجاب سرش کنم، تربیت اسلامی کنم یا به مدرسه اسلامی بفرستم. نمیتوان جلو شادی و تفریح کودک را گرفت، نمیتوان گفت دخترم را به مدرسه مختلط نفرستم. یا در حوزه دفاع از حقوق حیوانات باید قوانینی گذرانده شود که دیگر مرغ و گاو و گوسفند بیچاره را به وحشیانه ترین شکل ذبح اسلامی و شکنجه نکنند. اینها ممنوع میشود. تمام

رسم و رسومی که مخل آسایش مردم است باید ممنوع شود. يك سری اقدامات باید انجام داد. تمام قوانین یا نهادهایی که علیه زنان درست شده باید تعطیل شود. نمیتوان ساعت سه نیمه شب صدای اذان را اینقدر بلند کرد که مانع خواب و آسایش مردم شود. به این معنی بخش زیادی از فعالیت های مذهبی و رسومات مذهبی تعطیل میشود اما مذهب بعنوان يك عقیده شخصی کاملا آزاد است و مردم میتوانند به آن اعتقاد داشته باشند و فرایض مذهبی شان را، تا جایی که با قوانین دفاع از کودک و زن و تحصیل و دفاع از حقوق حیوانات و سایر قوانین منلی جامعه مغایرت نداشته باشد، انجام بدهند و تبلیغات خودشان را بکنند ولی جامعه بیشتر از هر چیز پذیرای افکار آزادیخواهانه و نواندیشی خواهد بود.

**سیما بهاری:** چقدر برنامه و سیاست هایی که گفتید با جامعه خوانایی دارد؟

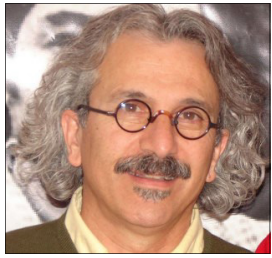
**اصغر کریمی:** اجازه بدهید ابتدا کمی صنعت مذهب را بیشتر توضیح بدهم و بعد سراغ سوال شما بروم. مذهب و مشخصا اسلام با خمس و ذکات و سهم امام و نورات و اوقاف یا در جایی که حکومت مذهبی است با انواع و اقسام هزینه ها و موسسات و غیره دارد میچرخد. ما معتقد نیستیم که مذهب يك سری اعتقادات به جن و پری و خر دجال و عاشورا و غیره است. مذهب يك بیزینس است و پشتش میلیاردها دلار پول خوابیده، موسسات بسیار متعددی دارد. واتیکان و مسیحیت هم از جیب مردم تغذیه میشود اما جایی که دولت مذهبی حاکم است سرمایه این صنعت را ضریب هزار بکنید. چاه چمکران يك صنعت است که فقط برای تحمیق مردم نیست تحمیق میکند و هم برای چاپیدن جیب مردم است. امامزاده ها تماما يك دکان است برای زدن جیب مردم از طریق تحمیق آنها. مذهب يك تجارت بزرگ است. مردم عراق دو سال قبل در خیابان علیه تجار دین شعار میدادند یعنی آیت الله ها و مقامات مذهبی تاجرانی هستند که از قبل مذهب پول درمیآوردند و سرمایه اندوزی میکنند. مذهب

زدایی به این معنی است که دولت و جامعه باید با این صنعت درافتد. بعنوان مثال باید از همه این موسسات و درآمد آخوندها حسابرسی شود تا کلاه سر دولت نگذارند و حساب و کتاب داشته باشند و مالیات بدهند و غیره. و اگر بعنوان صنعت و رافقادت خود مذهب هم ریشه اش خشک میشود و از بین میرود و مردم از شر آن رها میشود.

اما آیا این با جامعه همسویی دارد؟ بنظرم کاملا همسویی دارد و جامعه تشنه این اقدامات است. در برنامه يك دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری موازین و اقداماتی هست که گوشه هایی از آنرا اجازه بدهید اینجا اشاره کنم: جامعه باید بر اساس موازین سکولار و پیشرو باشد و نظام سیاسی کشور هیچ رنگ و بویی از مذهب و همچنین قومیت و ملیت، نداشته باشد. آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت، حذف کلیه مضامین و ارجاعات مذهبی در قوانین رسمی کشور، اینکه مذهب امر خصوصی افراد است نه بیشتر، لغو مذهب رسمی، جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش، و اینکه در مدارس باید به بچه ها علم بیاموزند نه خرافات مذهبی، ممنوعیت هر نوع کمک مالی و مادی و معنوی به مذهب و نهادهای و فرقه های مذهبی توسط دولت، ممنوعیت مراسم مذهبی خشونت آمیز و غیر انسانی که با اصل آزادی ها و حقوق مدنی مردم و با اصل برابری همه مغایرت داشته باشد، مصونیت کودکان از هر نوع دست اندازی مذهب و مراسم های مذهبی و یا جلب آنها به فرقه های مذهبی، ثبت رسمی ادیان و بنیادهای مذهبی بعنوان نهادهای خصوصی که حساب و کتابشان روشن باشد، حسابرسی شود از درآمدهای فلان آیت الله و فلان مسجد و مالیات هایی که باید بدهند، که نگذارند دزدی کنند یا کلاه سر دولت بگذارند، اینکه درآمدهایشان را از کجا کسب کرده اند. اینها همه باید در قوانین روشن باشد. اینطور نباشد که چون اینها مربوط به مذهبند هر کاری دلشان

## چند کلمه در باره منصور حکمت

علی جوادی

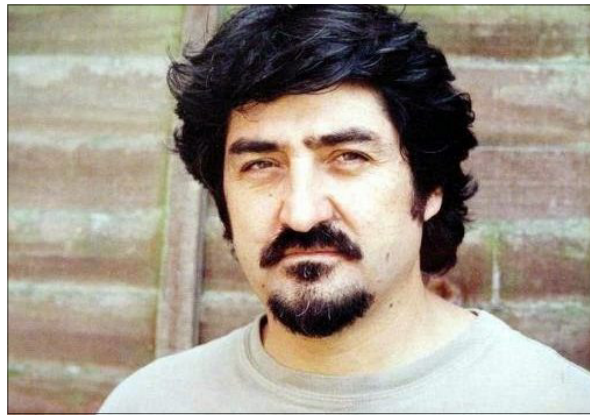


علیرغم این فشارها و تهاجمات صفی را شکل میدهد، سیمالی جریان و افقی را ترسیم میکند که وقتی به مختصاتش نگاه میکنی، گویا دارد خودش را بیان میکند. اگر میخواهی مختصات این صف را توصیف کنی، گویا داری سیمالی خودش را بیان میکنی. نمیتوانی منصور حکمت را جدا از جنبش کمونیسم کارگری بطور مجزا ترسیم کنی. اگر میخواهی انسانگرایی این صف را توضیح دهی مثل اینکه باید خودش را توصیف کنی. اگر میخواهی درکش را از کمونیسم و تغییرات انسانی جامعه توضیح دهی مثل اینکه باید رابطه خودش را با فرزنداناش را هم توضیح دهی. و همه این خصوصیات در هم تنیده میشود و به هم گره میخورند. و آن قدر بهم تنیده میشوند که گویا خودش فشرده ای از این حرکت عظیم اجتماعی میشود. وقتیکه نگاه میکنی به نقش منصور حکمت و میپرسی که مگر چکار کرد؟ پنجاه و یکسال عمر کرد و رفت. در این بیست و چند سال پدیده و آثاری از خود بجا گذاشت که تاریخ شکست نخوردگان را شکل داد.

منصور حکمت، نه به شرایط داده شده زمان خودش بود. بر خلاف ادعای "قاتحین" دوران خودش که میگفتند هر تلاشی برای بهبود و ترقی و پیشرفت تمام شود. و میگفتند خفه شوید و این سرنوشت را بپذیرید. ادعا نداشته باشید، اعمال و آرزو نداشته باشید. بی شمر است. مبارزه برای زندگی تمام شده است. همین است که هست، یا بسوزید یا بسازید. این پیام بورژوازی دوران منصور حکمت بود. اما منصور حکمت قبول نکرد. پذیرفت. به این شرایط نه گفت. با قدرت این نه را بیان کرد. شفاف بیان کرد. گوشه ها و تکه هایی از این ضرورت تاریخی

رجوع کنیم. آن تاریخ را مرور کرد، کمی در آن تاریخ کنکاش کرد و دید آن تاریخ چه بود؟ بنظر تاریخی بود که در دوران نقطه عطف ها شاید بتوان نامش را تاریخ نقطه عطفها گذاشت. اگر تاریخ چند ده ساله را بررسی کنیم، تاریخی بود که جنبشهایی به انتهای خودشان میرسند. جنبشهای غیر کارگری، غیر کمونیستی ای که به انتها میرسند. جنبشهای دیگری که اوج خودشان را از سر گذرانده بودند. دوران افولشان بود. مثل هر پدیده زوال پذیر دیگری که دورانی آغاز میکند، رشد میکند، به اوج میرسد و بعد افول میکند. این جنبشها دوران افول خود را طی میکردند. و این جنبشهای اجتماعی غیر کارگری بودند که به انتها، به دوران افول خود رسیده بودند. از جنبشهای "ضد امپریالیستی" کشورهای به اصطلاح جهان سوم گرفته تا جنبش سوسیال دمکراسی تا حتی بن بست و شکست بلوک شرق. همه این جنبشها در یک مقطع تاریخی معین به پایان خط خود رسیده بودند. دوران تحولات "خیره کننده ای" بود. کمتر در تاریخ دورانهایی وجود دارد که جنبشهای متعددی که در زندگی و تلاش جامعه نقش داشتند در یک مقطع تاریخی معین همه با هم به یک بن بست و به یک انتها برسند. گویا تاریخ دارد از تونلی رد میشود. تونلی که در آن وقایع فشرده میشود و تحولات سیر و شتاب فزاینده ای بخود میگیرند. مثل اینکه یک مجرای عظیم و یک جریان عظیم را وارد یک لوله باریک کرده اند و می بینید که جریان تغییرات با چه فشاری از آن طرف به بیرون سرازیر میشود. منصور حکمت در این مقطع تاریخی قرار داشت. در این شرایط مسیر آتی معمولاً نا روشن است. جهت تحولات روشن نیست. به قول خودش "این دوره ای که تویی وسط جهان بورژوازی خورد و لجن به همه سو پرتاب شد، و عده زیادی هم پرتاب شدند، طوریکه دیگر تشخیص لجن از آن آدمها ممکن نبود، ما معلوم بود چه میگوئیم". و در این شرایط می بینید که

بگویند که خصوصیات این جنبش در این فرد نیست. و یا اینکه خصوصیات این فرد در این جنبش نیست. گویا آن فرد بیان فشرده شده، نمونه واری از تاریخ زمان خودش و بیان خلاصه شده جنبش اجتماعی معینی در زمان خودش است. در تاریخ کمتر دورانهایی را پیدا میکنید و در دورانهایی تاریخی کمتر شخصیهایی را می یابید که بیان فشرده تاریخ زمان خود شوند. اما منصور حکمت از چنین ویژگی ای



برخوردار بود. این چنین با تاریخی معینی عجین شده بود. و زمانیکه به او نگاه میکنید گویا خود تاریخ در جلو چشمانتان مجسم میشود و به حرکت در می آید. در او حال و آینده را می بینید.

بنظر منصور حکمت به اعتباری برای دوران خودش "زود" بود. منصور حکمت مانند آن نوابغی بود که در دوران زندگی خودشان به تمام اثرات و ثمراتی که از خودشان بجا گذاشتند، دست پیدا نکردند. شاهد تمامی ثمرات کارشان نبودند. گویی آن دوران، آن تاریخ، آن لحظه، سهمش را، حقش را ادا نکرد، آنطوری که باید میکرد. واقعیت این است که منصور حکمت متعلق به تاریخ آینده اش بود.

مارکس میگوید انسانها تاریخ را میسازند. اما در شرایطی که برایشان به ارث رسیده است. یعنی در انتخاب شرایط مختار نیستند. شرایط داده شده و به ارث گذاشته شده است. بنظر برای اینکه به این سؤال پاسخ دهیم که "منصور حکمت که بود؟" باید به آن تاریخ

احساس میکردم که باید ازش فاصله بگیرم تا بتوانم بگویم نادر که بود. برای اینکه هر چه نزدیک تر میشوید ابعاد کوچک تری از یک واقعیت بزرگتر را می بینید. و فقط باید فاصله بگیرید تا بتوانید تمام بعد را ببینید. باید بروید عقب تر تا امکان پیدا بکنید همه تصویر را ببینید. راجع به آن فکر کنید. بخوانیدش. به تاریخ برگردید. به این مجموعه برگردید تا بتوانید حق مطلب را ادا کنید. تا بتوانید بگویند که نادر که

بود؟ و این سؤال را باید به تاریخ جواب دهید که منصور حکمت که بود؟ منصور حکمت فقط رفیقی نبود که با هم شوخی میکردیم. در جلساتش شرکت میکردیم. به سخنرانی هایش گوش میکردیم و به هیجان می آمدم. منصور حکمت بیشتر از هر چیز و یا قبل از هر چیز زمانی که تاریخ به او نگاه میکند، به تلاشش، به تاثیرش، به اثرش، به تلاشهایش نگاه میکند، این تاریخ چیز دیگری را به ما میگوید. میگوید که منصور حکمت فشرده ای از یک تاریخ است. فشرده ای از یک جنبش است. اما به چه معنا؟ در تاریخ دورانهایی وجود دارند، و در این دورانها چهره هایی وجود دارند که این چهره ها فشرده این تاریخ میشوند. خلاصه و بیان خود این تاریخ میشوند. چکیده خود تاریخ میشوند. گویا تاریخ و شخص در هم تنیده میشوند. در هم ادغام میشوند. و گویا از هم انفکاک ناپذیرند. نمیتوانید این تاریخ و این شخص را از هم جدا کنید. نمیتوانید

دوست دارم قبل از شروع صحبتهایم خاطره ای را با شما در میان بگذارم. به هر حال تاریخ این طور شکل گرفت که بخشی از دوران پایانی زندگی منصور حکمت در منزل ما گذشت. اما قبل از اینکه برود در گفتگویی تلخ به من گفت که "علی من اینجا نمی میرم. به تو این قول را میدهم. اینجا این اتفاق نمی افتد." من در آن زمان زیاد به این مساله فکر نکردم، فقط تعجب کردم، عصبانی شدم. چرا؟ در شوخی های دوستانه گاهی با تندی و بعضا با عصبانیت میگفتم که این چه حرفی است میزنی؟ اما زمانی که رفت، بعد از اینکه اتفاقی که در آن اقامت داشت خالی شد، فهمیدم که چه اتفاقی افتاده است و منظورش چه بوده است. تازه فهمیدم که چرا من دیگر براحتی نمیتوانم به آن اتاق بروم. فهمیدم که چرا میگفت اگر من اینجا بمیرم تو دیگر نمیتوانی در این منزل زندگی کنی. و وقتیکه من آن اتاق را خالی کردم همه چیزش را خالی کردم. تمام متعلقات اتاق را خالی کردم. بعد از آن دیگر کمتر قدرت و یا بهتر بگویم جرئت پیدا میکردم که به آن اتاق پا بگذارم. تصویر اتاق دیگر برایم عوض شده بود. دیگر دخترم نبود که ساکن قبلی آن اتاق بود. که میز تحویلش را در گوشه ای داشت و تخت خوابش را در گوشه ای دیگر. خاطره و تصویر دیگری حاکم بر فضای اتاق بود. تخت بیمارستان بود. منصور حکمت بود در دوران پایانی زندگی و در جبال با سرطان. و بعد این نکته که یک خلاء، یک کمبود، یک گمشده، یک حفره آنجا وجود دارد. و امروز هر وقت که به یاد منصور حکمت می افتم به آن اتاق میروم. به آن فضا میروم. به دور و بر نگاه میکنم. گویی چیزی را گم کرده ای، گم شده ای که دیگر پیدایش نمیکنی. میدانی کجاست اما پیدایش نمی کنی. هر چقدر بیشتر میگردی گویی کمتر موفق میشوی. اما منصور حکمت که بود؟ زمانیکه به این تم فکر میکردم،



## چند کلمه درباره منصور حکمت

از صفحه ۸

را بیان نکرد. تمامیتش را بیان کرد. وقتیکه بر میگردد و نگاه میکنید و منصور حکمت را ورق میزنید، می بینید که تمامیت تعرض به این وضعیت ضد انسانی را و به هر چیزی که انسانی نیست را بیان میکند. یک رگه فکری را شکل میدهد. به حرکت عظیمی از تاریخ شکل و افق میدهد. رگه ای در سوسیالیسم که انسانگرایی اساسش است. نگاه میکنید، می بینید که بنیانهای جامعه موجود را نمی پذیرد. جامعه ای که شرایط و ابزار تامین نیازهای زندگی و معاش انسانها را به گروگان گرفته است. و تنها زمانی که که سودشان تامین شد، این ابزارها را به کار می اندازند و هر وقت که سودی تولید نشد از کار می اندازند. نفس مالکیت خصوصی بر ابزار معاش و تولید مایحتاج زندگی مردم را قبول نمیکند. به سوسیالیسم اش نگاه میکنید، متوجه میشوید که سوسیالیسم اش متعلق به آینده های دور دست نیست. پیوند عجیب و جدا ناپذیری با حرکت جاری و روزمره تاریخ دارد. هم اصلاحات و بهبود روزمره را می خواهد هم تغییر بنیادی جامعه را. در عین حال که برای هر ذره بهبودی تلاش میکند، در همان حال دارد سیما و افق تغییراتی را ترسیم میکند که مستلزم دگرگون کردن کل بنیادهای اقتصادی و اجتماعی جامعه است. حزبیتش را بیان میکند. انترناسیونالیست بودنش را در دنیایی که بعضا اسیر خرافات ناسیونالیستی و مذهبی، ضد بشری شده است، بیان میکند. انترناسیونالیست اش را که نگاه میکنی متوجه میشوی که از تئوری استنتاج نشده است. انسان است. کلیت و تمامیت انسان است. انسانی که در هر گوشه ای زندگی میکند. هر شکل و شمایل و زبانی که داشته باشد. و به این اعتبار اگر بخواهید بگوئید که منصور حکمت که بود؟ بنظرم باید بگوئید که یک نیاز بود. نیازی بود که پاسخ داده شد. نیاز و ضرورتی بود که در دوران پر پیچ و تحول تاریخ پاسخ داده شد.

و اگر پرسید که اهمیتش چه بود؟ باید ببینیم که کمونیسم قبل از منصور حکمت چه بود. به قول خودش کیسه بوکس بود که میزدندش. کیسه بوکسی بود که فقط میخورد. کیسه بوکسی بود که آدمهایش باید سر خودشان را قایم میکردند. به گوشه ای میرفتند که بگویند ما نیستیم. ما نبودیم. سرشان را قایم میکردند از اینکه ضربات بیشتری نخورند. سرشان را در زانویشان میگرفتند که صدمه بیشتری نبینند. به قول خودش بهشان میگفتند که میهن را دوست نداری، ناسیونالیسم و عقب مانده ترین تعلقات ضد انسانی را وارد دستگاه فکری خودشان میکردند. بهشان میگفتند که دمکرات نیستی؟ دمکراسی و پارلمان و بازار آزاد و رقابت سرمایه را وارد سیستم فکری خودشان میکردند. بهشان میگفتند که به نقش مذهب کم اهمیت میدید به یکباره "الهیات رهاییبخش" را پیدا میکردند. این ویژگی ها و گوشه ای از کمونیسم قبل از منصور حکمت بود. و زمانی که به کمونیسم بعد از منصور حکمت نگاه میکنید. می بینید که تمام ابعادش تعریف شده است. شفاف است. ابعادش برایتان روشن است. زیر نور قرارش دهید هر بعدش به تنهایی میدرخشد. توانست افق و چشم انداز روشنی از کار کمونیستی را در مقابل همگان قرار دهد. به این اعتبار با بررسی کمونیسم قبل از منصور حکمت و کمونیسم بعد از منصور حکمت به جایگاه منصور حکمت در تاریخ پی میرید. به همین اعتبار فکر میکنم که مجموعه آثار و نقطه نظرات منصور حکمت بمشابه یک رگه فکری و اجتماعی در تاریخ تحولات معاصر بشری جایگاه معین و غیر قابل انکاری دارد. این رگه فکری باید در مقایسه با سایر رگه های فکری در کمونیسم بیان شود. باید جنبه ها و جلوه های متعدّدش شناخته شود و خود منصور حکمت در کنار سایر غولهای فکری که تلاشهای عظیمی در جنبش عظیم کمونیسم کارگری انجام داده اند، قرار داده شود.

منصور حکمت را باید با غولهای فکری جهان معاصر مقایسه کرد. اگر به مارکس نگاه کنید، دوران او را بررسی کنید، می بینید که روی دوش غولهای فکری زمان خود ایستاده بود. روی شانه هایشان ایستاد و با قاطعی بلندتر افقهای فراتری را دید و بیان کرد. اگر لنین را ببینید مشاهده میکنید که در دورانی فعالیت میکرد که روی آوری به مارکس و جریان رادیکال چپ و انترناسیونالیست گسترده و همگانی بود. و لنین در این شرایط یک انقلاب عظیم اجتماعی - کارگری را سازمان میدهد. اما در دوران منصور حکمت هیچکدام از این شرایط نبود. آدمهای سیاسی "کوچک" فکری بودند که ادعای بزرگ رسیدن به انتهای تاریخ مبارزه طبقاتی و تحولاتش را داشتند. میخواستند فکر و ایده آل انسانی و مترقی را نابود کنند. این به اصطلاح متفکرین زمان مدعی پیشرو بودن و ترقی بودن نداشتند. بر عکس در مقابل تاریخ تلاشهای انسانی ایستاده بود. و به همین اعتبار تنها کسی میتوانست افقهای دور دست را ببیند که خودش قامت بلندی داشته باشد. کسی که بر روی ارتفاعات اخلاقی بلند تری ایستاده باشد تا بتواند مسیر حرکت را ببیند. منصور حکمت خودش آن قامت بلند تاریخ زمان خودش بود. خلاف جریان بود. شرایط و حرکت سیاسی جامعه در نقطه مقابلش قرار داشت. در دوران مارکس این تفکر که جامعه نسبت به فرد و شرایط زندگی مسئول است، نرم و پذیرفته شده بود. اما در دوران منصور حکمت حرکت "متفکرین" و جامعه بر عکس بود. رهایی فرد را با قرار گرفتنش در زیر دست و پای رقابت سرمایه معنا میکردند. و اگر به تاریخ تحولات سیاسی ایران نگاهی بیندازید از گوشه ای میتوانید نقش و تاثیر عمیق کارش را ببینید. بیش از ده سال پیش زمانی که در رسانه ها حضور پیدا میکردیم اولین برخورد این بود که گویا یک موجودات به تاریخ بی ربطی را پیدا کرده اند که باید به سخره اش بگیرند. با تعجب میپرسیدند که شما هنوز هم کمونیست هستید؟ مثل اینکه

میپرسیدند شما هنوز هم دیوانه هستید؟ دقیقا میخواستند این را بگویند. با اشاره و بعضا مستقیما می گفتند مگر نمی بینید که چه اتفاقی در تاریخ افتاده است؟ الان نگاه کنید. تصویری که الان وجود دارد را بررسی کنید. تفاوت بسیاری کرده است. همان جریانات میگویند که اگر شما نباشید نمیشود. تشریف بیاورید. حتما باید باشید. مدافع دو آتشه سرمایه و سرمایه داری الان مجبور شده اند که در رسانه هایشان بگویند که جامعه فردای ایران آزاد نیست اگر کمونیستها آزاد نباشند، البته این حرفهای الاثنان است، تاریخ عملکردشان خلاف این تعارفها است. منصور حکمت میگفت زمانی که کمونیسم در بستر اصلی جامعه قرار میگیرد انفجاراتی صورت میگیرد که برای خود ما ناشناخته است. این اتفاقات دارد می افتد.

و بنظرم تازه این اول کار است. منصور حکمت از میان ما رفت. تعهدی نکرده بود که همیشه بماند. و ما باید به جلو میرفتیم. ما در حال برداشتن گامهای حرکتیمان بعد از منصور هستیم. با آموزشهایش به جلو رفتیم. بعضا با آزمون و خطا پیش رفتیم. ولی جلو رفتیم. جنگهایی کردیم و جلو رفتیم. علیرغم مشکلات به جلو رفتیم. حزش را حفظ کردیم. پرچمش را برافراشته نگهداشتیم. و آن حرف منصور حکمت بیاد می آید که حزب بزرگی میشویم بطوریکه

## آینده مذهب در ایران

از صفحه ۶

خواست بکنند. مثل فتوای قتل رشدی که توسط خمینی داده شد و هیچکس خمینی را به دادگاه نکشاند و همینطور مصادره کلیه اموال و اماکنی که نهادهای مذهبی در طول حاکمیت جمهوری اسلامی بالا کشیده اند. اینها گوشه هایی از برنامه حزب کمونیست کارگری است که مورد حمایت قاطعانه جامعه است. جنبش ضد مذهبی و فعالین سیاسی و اجتماعی آزاداندیش باید اینها را به عنوان یک پلأفرم در دستور کار خود قرار بدهند تا این جنبش خودآگاه تر، متعین تر و متشکل تر شود این نوع اقدامات

بعضی ها که عضو حزب میشوند شاید نمیدانند لنین خوردنی است یا پوشیدنی. حزبی که مردم دردمند آن را ابزار تغییر در زندگی خودشان میدانند. و این اتفاق دارد رخ میدهد. کارگری که میگوید شما امید و حرف دل ما هستید. جوانی که امیدش برای آینده این حزب است. زنی که حزب را ابزار نابودی ستمش میدانند. ایکاش بود. ایکاش بود، می دید، ایکاش بود و میدید که چه اتفاقات مهمی در تاریخ در شرف وقوع است.

در سالگرد درگذشت منصور حکمت باید گفت که منصور حکمت را به تاریخ شناسانیم. با فاصله گرفتن از شخص اش تا بتوانی شخصیت اش، و جایگاهش را به دیگران توضیح دهی. ما کسانی که از نزدیک در کنار منصور حکمت بودیم، در کنارش مبارزه کردیم، از او آموختیم، ما به تاریخ میدونیم. به منصور حکمت میدونیم. نه بمشابه یک دوست بلکه بمشابه انسانهایی که در یک برهه تاریخی این امکان را داشتیم در کنارش باشیم. ما نمیتوانیم این آموزه ها را برای خودمان نگه داریم. باید در اختیار جامعه بشری قرار دهیم. و بشریت را مجهز به سلاحی بکنیم که او حدادی کرد.

منصور حکمت در جنبش ما زنده است. زنده باد منصور حکمت! این مطلب بر مبنای سخنرانی در سالگرد منصور حکمت بازنویسی شده است.

است که با با جامعه خوانایی دارد نه امتیاز دادن به مذهب و باج دادن به آخوند. جامعه اینها را میخواهد نه دفاع از آخوند و مذهب.

اینها را اضافه کنیم در آینده سیاسی ایران هیچ فرقه مذهبی و اسلامی جایی نخواهد داشت. جامعه ایران بسیار پیشروتر و روشن تر از این حرفها است که محلی به احزاب و سازمانهای مذهبی بگذارد. دولت بعدی در ایران یک دولت تماما سکولار و غیر مذهبی است و جامعه ایران نیز به هیچ سازشی با مذهب و فرقه های مذهبی و شاعر مذهبی تن نخواهد داد.

## در محکومیت طرح تروریستی حمله به گردهمایی مجاهدین خلق در پاریس

روز دوشنبه دوم ژوئیه دادستانی بلژیک اعلام کرد که یک زوج ایرانی تبعه بلژیک که تصمیم داشتند با انفجار بمب به گردهمایی مجاهدین خلق در پاریس حمله کنند، دستگیر شده اند. از ماشین این افراد مقصدی ماده منفجره و همچنین چاشنی انفجاری بدست آمده است. در همین ارتباط فرد دیگری در پاریس و همچنین یک دیپلمات ایرانی در آلمان دستگیر شده اند.

دیگر اعلام میکند که سفارتخانه ها و کنسولگری های حکومت اسلامی کانون های تروریستی علیه اپوزیسیون رژیم اسلامی هستند و باید برچیده شوند. رژیم اسلامی نماینده مردم ایران نیست و باید از تمام مجامع بین المللی اخراج شود.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ تیر ۱۳۹۷، ۳ ژوئیه ۲۰۱۸

حزب کمونیست کارگری بار

## شوراهای سازماندهی اعتراضات را ....

از صفحه ۱

یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در محلات و شهرها وسیعاً ایجاد شوند و سازماندهی مبارزات را بعهدہ بگیرند. شوراهای سازماندهی شکل مناسب هدایت اعتراضات و اعتصابات توده ای و سراسری در شرایط حاضر است که میتوانند در هر محل و شهر و منطقه ای اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند، جلو شعارها و تاکتیک های انحرافی را بگیرند و در واقع نقش رهبری میدانی مردم را بعهدہ بگیرند. رهبران و فعالین کارگری و اجتماعی از تجارب گرانقدری در سازماندهی برخوردارند و در ایجاد این تشکل ها میتوانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند.

شوراهای سازماندهی در شرایط کنونی اساساً مخفی هستند اما در اولین شرایط مناسب اعلام موجودیت میکنند و علنی میشوند. شوراهای سازماندهی ایجاد شوراهای مردم برای اداره جامعه را در مراحل بعدی تسهیل میکنند.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند که در هر شهر و محلی که میتوانند، دست به کار ایجاد این شوراهای شوند. فعالین میتوانند تعداد هرچه بیشتری از کسانی را که میخواهند در این شرایط علیه حکومت و برای پیشروی انقلاب فعالیت کنند، در این شوراهای جمع کنند، با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند و خود را برای ایفای نقش در شرایطی که جامعه وارد تلاطم انقلابی شده و مبارزات روزبروز تعرضی تر و گسترده تر میشود، آماده کنند.

جامعه ایران وارد دوره تازه و تعیین کننده ای شده است. شوراهای سازماندهی یک پاسخ مهم برای استقبال از این شرایط است. حزب کمونیست کارگری از هر اقدام و ابتکار عملی در این راستا حمایت میکند و از تبادل نظر و شنیدن نظرات و پیشنهادات فعالین برای شکل دادن به شوراهای سازماندهی به گرمی استقبال میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۵ تیر ۱۳۹۷، ۶ جولای ۲۰۱۸

## واحدهای حزب کمونیست کارگری را ....

از صفحه ۱

آنان، اتحاد آنان و متشکل شدن آنان ایفا کنید و با آمادگی بیشتری نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی بلکه همچنین در مقابل جنبش های ارتجاعی و شعارها و شیوه های انحرافی که به مبارزه مردم لطمه میزنند صف آرایی کنید.

بسیاری از دوستداران حزب همچنان بصورت فردی فعالیت میکنند. ما وظیفه داریم و میتوانیم بخش هر چه وسیعتری از این فعالین را در سازمان حزب در داخل کشور متشکل کنیم. این یکی از مهمترین اقداماتی است که در شرایط کنونی در مقابل اعضا و فعالین حزب قرار دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ تیر ۱۳۹۷، ۴ ژوئیه ۲۰۱۸

## تظاهرات در اهواز و ماهشهر در حمایت از مردم آبادان و خرمشهر

انعکاس خبر در مدیای اجتماعی و یا پیوستن به تجمعات اعتراضی در محل اینها اشکال مختلف همبستگی است. با تمام قوا از مردم خرمشهر و آبادان و خواست های بحق آنها حمایت کنیم. همبستگی با اعتصابات و اعتراضات بحق مردم را در همه جا عملی کنیم.

زنده باد اتحاد و همبستگی  
مبارزاتی مردم  
سرنگون باد جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ تیر ۱۳۹۷، ۲ جولای ۲۰۱۸

شهری حول خواست های رفاهی و سیاسی جریان دارد. هر مبارزه عادلانه هر بخش مردم در هر نقطه کشور و یا در هر کارخانه و دانشگاهی باید مورد پشتیبانی سایر مردم قرار گیرد و اتحاد و همبستگی میان مردم و مبارزات آنها تقویت شود. تقویت همبستگی میان مبارزات بخش های مختلف مردم یک رکن مهم تقویت جنبش سرنگونی و عقب راندن حکومت است. هر بخشی از جامعه و هر نهاد و تشکلی میتواند متناسب اشکال لازم برای همبستگی را متناسب با شرایط و توانایی خود در دستور بگذارد. از تظاهرات و تجمع و اعتصاب تا طومار و بیانیه های حمایتی و

شب دهم تیرماه مردم شهرهای ماهشهر و اهواز در حمایت از مردم خرمشهر و آبادان دست به تظاهرات زدند و علیه حکومت شعار دادند. این اقدام مهمی است که جا دارد نه تنها در سراسر خوزستان بلکه در سراسر کشور گسترش یابد. باید همه جا در سراسر کشور حکومت را برای تامین فوری آب لازم برای زندگی مردم ماهشهر و آبادان تحت فشار گذاشت، باید تیراندازی به مردم خرمشهر را محکوم کرد و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان شد. اعتراض مردم خرمشهر و آبادان به نبود آب بهداشتی بخشی از مبارزه برای سرنگونی حکومت است که در شهرهای مختلف کشور و در هر

## جنایت حکومت در روستای زهوک میباب مردم سرکوبگران را فراری دادند

مردم به آنان تیراندازی کردند. بنا بر خبرها چند نفر از مردم مجروح شده اند. اما مردم چنانچه با آنها درگیر شده و با سنگرانی نیروی سرکوب را فراری دادند و جاده ورودی به شهر میباب را بستند تا جلو نیروی کمکی به سرکوبگران را بگیرند. خرید و فروش گازوئیل در این روستا شیوه امرار معاش مردمی است که کار و درآمدی ندارند. جمهوری اسلامی بجای ایجاد کار و تامین زندگی مردم در این روستا، با آنها

روز دوشنبه ۱۱ تیر ماموران حکومت جنایتکار اسلامی در یک خانه در روستای زهوک از توابع میباب در استان هرمزگان، بدلیل نگهداری دو بشکه گازوئیل در یک خانه و تحت عنوان اینکه صاحب این گازوئیل قاچاقچی است، با اهالی خانه درگیر شدند. مردم این روستا با دیدن این وحشیگری وارد صحنه شدند و در حمایت از این خانواده با مزدوران درگیر شدند. سرکوبگران حکومت در وحشت از پساخاستن

## مجاهدین: آلترناتیو سیاسی یا اهرم اعمال فشار دول مرتجع گفتگو با علی جوادی

**انترناسیونال:** گردهمایی سالانه سازمان مجاهدین با حضور تعدادی از چهره‌های سیاسی از کشورهای مختلف از جمله رودی جولیان، شهردار سابق نیویورک و مشاور دونالد ترامپ و همچنین شخصیت‌های دیگری، در پاریس پایتخت فرانسه برگزار شد. نظر علی جوادی را در باره این نشست و پیامدهای سیاسی آن جویا می‌شویم. نشست سالانه سازمان مجاهدین پر سر و صدا، پر زرق و برق و پر جمعیت برگزار می‌شود. آیا همین عمل سازمان مجاهدین نشان نمی‌دهد این سازمان نیروی اصلی اپوزیسیون علیه جمهوری اسلامی است؟

**علی جوادی:** بهیچوجه! اجازه دهید به تک‌تک این صفاتی که برشمردید بپردازم. این مراسم و مراسم‌های این چنینی "پرجمعیت" هستند، اما اکثریت قریب به اتفاق جمعیت حاضر در این مراسم فعالین سیاسی هیچ عرصه خاصی از مبارزات رادیکال و آزادیخواهانه در جامعه نیستند. این جماعت فعالین جنبش آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی در جامعه نیستند. این جماعت فعالین جنبش آزادی و برابری بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه نیستند. این جماعت فعالین جنبش جدایی دین از دولت، سکولاریسم و مذهب زدایی در جامعه نیستند. این جماعت فعالین جنبش خلاصی فرهنگی و خلاصی از نکبت عقب ماندگی و تحجر فرهنگی و اجتماعی در جامعه نیستند. نه! جمعیت خاموشی اند که نظر به امکانات سازمانی و قدرت مالی این جریان که بعضاً توسط دولتهای ارتجاعی منطقه ای در یک سالن گرد آورده شده اند.

این مراسم "پر زرق و برق" بود چرا که هدف چنین مراسم و

نشست سالانه ای اصولاً سیاست گذاری، بحث و تبادل نظر و اتخاذ تصمیمات سیاسی نیست. قرار نیست در این نشست ها قطعنامه و قرارهای های سیاسی در زمینه چگونگی پیشبرد مبارزات گسترده و عریضه اجتماعی به رای گذاشته شود. قرار نیست در این نشست ها سمینار و کنفرانسی برگزار شود. این نشست سالانه یک فرقه مذهبی است. این نشست سالانه نیرویی از جنس کنتررا است. مراسمشان هم طبیعتاً شکل و شمایل اهداف فرقه ای مورد نظر این جریان را دنبال میکنند. هدفشان این است که به دولتهای ارتجاعی غربی و منطقه نشان دهند که هستند و باید مورد "انتخاب" این جریان‌ها قرار بگیرند.

این مراسم "پر سر و صدا" بود چرا که اصولاً "سروصدا"، نه تبلیغ و ترویج، نه روشننگری و آگاهی سیاسی، نه سازماندهی، نه رهبری سیاسی اعتراض و اعتصاب تنها اهرم فعالیت این فرقه مذهبی است. سر و صدایی که قرار است زمینه‌های دریافت "اعتبارنامه" سیاسی این جریان به عنوان "آلترناتیو" فردای ایران را از آمریکا و متحدین منطقه ای اش تامین کند. اما این جریان بهیچوجه شانس و امکانی برای شکل دهی به یک آلترناتیو سیاسی را ندارند. این جریان تنها یک اهرم اعمال فشار از سوی آمریکا و مرتجعین منطقه ای علیه حکومت آدمکشان اسلامی است. فراموشن نباید کرد، سگ شکاری هیچوقت صاحب شکار نیست.

برگزاری چنین مراسمهایی اصولاً نشاندهنده قدرت این فرقه مذهبی بمشابه یک نیروی "اپوزیسیون" نیست. اگر بخواهیم از اجرای چنین نمایشهایی نتیجه گیری ای بکنیم شاید باید گفت

که مجاهدین راه و چاه و فوت و فن اجرای مراسمی از جنس کنسرت و رقص و آواز را خوب فرا گرفته اند. شاید بتوانند در فردا در گوشه ای شاید در خاک عربستان و ده کوره ای در عراق دفتر اجرای چنین کنسرت‌هایی را باز کنند. اما اطلاق "نیروی اصلی اپوزیسیون" به این جریان بیشتر یک مزاح سیاسی است. این جریان نماینده هیچ بخشی از جامعه نیست. یک نیروی اجتماعی و سیاسی نیست. یک فرقه مذهبی است که راه و رسم تطمیع چهره‌های اولترا راست و مرتجع را خوب فرا گرفته است. همین!

**انترناسیونال:** سازمان مجاهدین مخالف سرسخت جمهوری اسلامی است آیا شایسته حمایت از سوی همه جریان‌ها سرنگونی طلب نیست؟  
**علی جوادی:** بهیچوجه! اجازه دهید اشاره مختصری به سابقه سیاسی این جریان بکنم، شاید بتوان معنای واقعی "مخالفت" این جریان با حکومت اسلامی را بهتر درک کرد. واقعیت این است که مجاهدین هیچگاه یک سازمان قائم به ذات و بنا به تعریف هویتی خود، ضد حکومت اسلامی و مبنایی سیاسی، عقیدتی و هویتی ضد انقلاب اسلامی حاکم در ایران نبودند. در دوره‌های شکل گیری و قوام ارتجاع اسلامی در ایران این جریان در کنار حاکمیت اسلامی بود. خمینی "رهبرشان" بود، طالقانی "پدرشان" و بنی صدر "متحد" سیاسی شان. در زمانی با التماس و استدعا، رجوی و خیابانی، به ملاقات خمینی رفتند و آمادگی خود را برای همکاری و به بازی گرفته شدن اعلام کردند. این جریان بطور همه جانبه ای از جناح بنی صدر در راس قوه مجریه حکومت

اسلامی دفاع میکرد. و زمانیکه دعوای جناحهای حکومتی منجر به حذف بنی صدر از حاکمیت اسلامی شد، این جریان هم از حواشی حاکمیت رانده و به "اپوزیسیون" سوق داده شد و به دنبال آن سیاست و تاکتیک ترور و عملیات انتحاری اسلامی را در دستور سازمانی خود قرار داد. اگر "انحصار طلبی" جریان خمینی و باندش نبود، این جریان کماکان در کنار بنی صدر و حاکمیت اسلامی قرار داشت. مخالفت خوانی امروز سازمان مجاهدین نتیجه بلافضل سیاستهایشان در قبال یک نیروی ارتجاعی و آدمکش اسلامی نیست.

اما وضعیت امروز این جریان نسبت به گذشته نه چندان دورشان کاملاً متفاوت است. این جریان تنها یک نیروی سیاسی راست و مذهبی نیست. بلکه نیروی عمیقاً مخرب و ضد اجتماعی است. یک نیروی سناریو سیاهی است. یک نیروی ضد آزادی و ضد برابری است. نه تنها کوچکترین حمایتی از این جریان مجاز نیست، بلکه نیرویی است که عمیقاً باید افشاء و طرد شود. یک شرط مبارزه انسانی و انقلابی علیه حکومت اسلامی، طرد این سازمان و واکنسینه کردن جامعه در مقابل تحولات مخرب جریان‌هاست این چنینی است.

و باید اضافه کنم که شاخص و معیار ما در حمایت از نیروها و فعالین سیاسی جامعه، یک شاخص سیاسی و اصولی است. ما نیروهای مخرب قوم پرست و فرقه‌های مذهبی جامعه را افشاء و نقد میکنیم. ما هیچگونه حمایتی از نیروهای دست راستی و ارتجاعی جنبش ناسیونالیسم پرو غربی که بعضاً بر علیه رژیم اسلامی هم مبارزه میکنند، نمیکنیم. ما نیروهای رنگارنگ جنبش ملی-اسلامی را که خرده انتقاداتی به زیاده روی جناح حاکم اسلامی دارند، را افشاء و نقد میکنیم. شاخص ما امر آزادی و برابری و سعادت جامعه است، ما دست همه فعالین اجتماعی در عرصه‌های

متفاوت این جنبش عظیم را می‌فشاریم. ما مردم را به اردوی عظیم کمونیسم کارگری، اردوی عظیم آزادی و برابری و رهایی انسان فرامیخوانیم.

**انترناسیونال:** شخصیت‌های سیاسی شرکت کننده در این نشست از جمله مشاور ترامپ و برخی شخصیت‌های بین المللی را چگونه بررسی می‌کنید؟  
**علی جوادی:** روشن است. این جمعی از کثیف ترین و مرتجع ترین نیروهای دول سرمایه داری غرب و متحدین عقب مانده و عشیرتی منطقه ای آن هستند. به همان اندازه جمهوری اسلامی کثیف و ضد انسانی و بعضاً متحجرند. جدال و کشمکش این جریان‌ها با جمهوری اسلامی ذره ای، هیچ ذره ای از آزادیخواهی و برابری طلبی را نمایندگی نمیکند. جدال این جریان‌ها، جدال دو قطب تروریسم بین المللی و یکی از معضلات عظیم بشریت امروز است. جامعه بشری تنها با خلاصی از شر هر دو سوی این جدال ارتجاعی روی خوشی و سعادت را خواهد دید.

از طرف دیگر، شما نمیتوانید در کشور "خود" نمایندنده ضد انسانی ترین گرایش‌ها باشید، مهره ای اساسی در جنبش نفوشتیسم حاضر باشید، ضد زن و ضد آزادیخواهی و ضد مهاجر باشید، اما در گوشه ای دیگر به صف آزادیخواهی تعلق داشته باشید. ترامپ و جولیان و جان بولتن همه جا ارتجاعی اند. همه جا مرتجع و ضد آزادیخواهی اند. چنین وارونگی و دوگانگی یک غیر ممکن ریاضی است. واقعی نیست. عملی نیست. به همین اعتبار اگر به دوستان و آشنایان مجاهدین نگاه کنید، به سادگی از می‌یابید که تصویرشان از آینده و تغییرات احتمالی در ایران چیست؟ می‌بینید که متحدین بین المللی شان چه کسانی هستند؟ می‌بینید که این جریان کوچکترین ربطی به بشریت متمدن در سطح بین المللی ندارد. می‌بینید که این جریان در کنار دشمنان کارگر

## جان رامین حسین پناهی در خطر جدی است با اقدامات فوری و اضطراری باید او را از خطر اعدام نجات دهیم!

### مردم شریف و آزادیخواه

وضعیت بشدت ظخیر و اضطراری است؛ با تجمع اعتراضی مقابل زندان مرکزی سنندج مانع اجرای حکم اعدام رامین حسین پناهی شوید. چون همیشه در کنار خانواده داغدار و رنج دیده حسین پناهی باشید. در هر کجا با مراجعه به نهادهای رسمی مدافع حقوق زندانیان سیاسی، و وزارت امور خارجه کشورهای اروپایی آنها را وادار کنید تا با فشار به جمهوری اسلامی حکم اعدام رامین را لغو کنند. با برگزاری تجمعهای اعتراضی در میدانهای اصلی و مکانهای پر رفت و آمد و در مقابل سفارتخانههای جمهوری اسلامی، جهانیان را از اقدامات ضد بشری جمهوری اسلامی مطلع کنید. در

چهارشنبه ۱۳ تیرماه، "عباسی" رئیس حفاظت زندان مرکزی سنندج، رامین حسین پناهی را تهدید به قتل کرده است. او صریحا به رامین میگوید: "اگر اعدامت نکنند توسط خود ما در زندان سنندج به قتل خواهی رسید". در ادامه این تهدیدات، تعدادی از مسئولان زندان به همراه "عباسی" امروز پنجشنبه ۱۴ تیرماه، رامین، را که به شدت از درد و عفونت کلیه رنج می برد و از دسترسی به پزشک محروم است. با کتک کاری و ضرب و شتم به بند پنج که ویژه معتادین و قاتلین است منتقل می کنند، به رامین می گویند "از این بند خارج نخواهی شد و در اینجا یا اعدام و یا توسط این زندانیان به قتل خواهی رسید".

خانواده حسین پناهی اخبار بسیار موثقی دریافت کرده اند که جمهوری اسلامی قصد دارد، در بی خبری و بدون اطلاع خانواده و وکیل، حکم اعدام رامین را اجرا کند؛ خانواده نگران و مضطرب رامین از همه مردم، نهادها و سازمانهای مدافع حقوق زندانیان سیاسی می خواهند در اقدامی فوری مانع اجرای حکم اعدام رامین بشوند.

بر طبق اخبار موثقی دو روز پیش جلسهای با حضور دادستان، فرماندار، بخشدار، نماینده شورای شهر سنندج و یک نماینده از مرکز و همچنین نماینده سپاه در محل دادستانی سنندج در باره اجرای حکم اعدام رامین حسین پناهی برگزار شده است. متعاقب این اجلاس روز

جمهوری اسلامی و لغو حکم اعدام رامین حسین پناهی از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد. این حکم ضد انسانی باید بیدرنگ لغو گردد و رامین حسین پناهی تحت مراقبت های ویژه پزشکی قرار بگیرد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
۱۴ تیرماه ۱۳۹۷  
۵ ژوئیه ۲۰۱۸



نه به اعدام رامین حسین پناهی

### زندانی سیاسی رامین حسین پناهی را ...

از صفحه ۵

جلوگیری کنیم و نگذاریم که پدر و مادر رامین بیش از این غمبار شوند. بیائید تا دست در دست هم از حق حیات، از زندگی در مقابل مرگ و وحشیگری جمهوری اسلامی دفاع کنیم.

وقت زیادی باقی نمانده است. ما می توانیم ورق را برگردانیم و از بروز يك فاجعه انسانی جلوگیری کنیم. به نجات جان رامین برخیزید. چشم ها به شما دوخته شده است.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۴ تیر ۱۳۹۷. ۵ ژوئیه ۲۰۱۸

**به حزب کمونیست کارگری  
ایران بپیوندید**

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

اجتماعی اصلی جامعه، تقابل سه جنبش اجتماعی کمونیسم کارگری، ناسیونالیسم پرو غربی و جنبش ملی - اسلامی تعیین میکند. مجاهدین جایی در این معادله تعیین سرنوشت آتی جامعه ندارند. بزگر گله ملی - اسلامی اند، اما بزی که از خانه و کاشانه خود نیز طرد شده است.

بعلاوه جامعه تیمارستان نیست که در پروسه سرنگونی حکومت اسلامی به نیروی اسلامی دیگری امکان قدرت نمایی دهد... جامعه ایران را نباید دست کم گرفت. بلوغ سیاسی و درجه رشد و آگاهی جنبشهای آزادیخواهی و برابری طلبی را نباید دست کم گرفت.

من عمیقاً معتقدم، و این يك باور دیرینه است، که جامعه میتواند علیرغم نقش مخرب نیروهایی مانند مجاهدین و جریانات قوم پرست و دستجات کثیف حزب اللهی در پیشروی امر آزادی و برابری و خلاصی از کلیت نظام اسلامی به اهداف دیرینه خود که يك جامعه آزاد و برابر و انسانی است، دست یابد.

### مجاهدین: آلترناتیو سیاسی یا ...

از صفحه ۱۱

را امضاء کنند. همین و بس! اما در همین چهارچوب هم دچار اشتباه محاسبه عظیم شده اند. نه این جریانات دارای چنین قدرتی هستند که با امضای اعتبار نامه مجاهدین به عنوان "آلترناتیو" راه این جریان را برای قدرت گیری فراهم کنند و نه جامعه و نه ما اجازه خواهیم داد. **انترناسیونال:** آیا پیروزی قطعی مبارزات مردم و برقراری يك جامعه آزاد و برابر و انسانی با وجود نیروهایی چون مجاهدین و احزاب دیگر که در زیر پرچم ترامپ رژه می روند ممکن است؟ **علی جوادی:** قطعاً. اگر ممکن نبود، من و شما و جنبشی به عظمت اجتماع هر روزه، چه آشکار و چه پنهان، در پهنای جامعه در جریان نبود. آنچه که بنظر من کمتر ممکن است، آنچه کمتر شانس دارد، تکرار سناریوی خونین عراق در جامعه ایران و نقش آفرینی جریاناتی امثال مجاهدین است. واقعیت این است که سرنوشت آتی جامعه را تلاقی جنبشهای

و آزادیخواهی و برابری طلبی و در کنار اردوی میلیتاریسم و قلدری و زورگویی قرار دارد. سگ شکاری بیان گویایی برای توصیف خصلت و نقش سیاسی مجاهدین در تحولات آتی است. مجاهدین به دنبال دریافت اعتبار نامه "آلترناتیو" حکومت اسلامی از دولت های قلدر و زورگوی سرمایه داری غرب و متحدین منطقه ای اش هستند. از این رو چنین جماعت و ترکیبی را در جلسه سالانه آنها می بینیم. همانطور که اشاره کردم، این جریان قرار نیست، اعتبار نامه خود را از رهبران جنبش کارگری، فعالین و رهبران جنبش آزادی و برابری زن و مرد، از فعالین جنبش آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، از فعالین جنبش لغو بساط اعدام و قتل عمد دولتی دریافت کند. در سناریوی این جریانات، آمریکا و متحدین منطقه ای اش و مشخصاً عربستان سعودی باید اعتبار نامه "آلترناتیو" این جریان